

الگوی همکاری چند بعدی

موج مشترک توسعه منطقه‌ای مبتنی بر سند چشم انداز ۱۴۰۴

دکتر علی مبینی دهکردی^۱

ابوالفضل اخوان^۲

چکیده:

در این مقاله با استفاده از روش فراتحلیل، با بررسی اینکه در راستای تحقق چشم‌انداز ۲۰ ساله ایران اسلامی که ایجادکننده موج توسعه منطقه‌ای در آسیای جنوب غربی می‌باشد این سوال اساسی مطرح گردیده که اهمیت و ضرورت منطقه‌گرایی چیست و سیر تحول مدل همکاری منطقه‌ای در جهان از چه مبانی و پیشینه‌ای برخوردار می‌باشد. سناریوهای توسعه همکاری مبنی بر مکانیزم بازار یا هدایت توسط دولت‌ها چه تأثیری بر این مدل داشته‌اند و در شرایط ویژه منطقه آسیای جنوب غربی، مناسب‌ترین الگوی توسعه همکاری مشترک منطقه‌ای از چه ویژگی‌هایی باید برخوردار باشد که نهایتاً موجب معرفی الگوی پیشنهادی موج مشترک همکاری توسعه منطقه‌ای گردیده است.

در ابتدا و پس از بیان اهمیت و ضرورت، مبانی نظری و پیشینه تاریخی بحث جهانی‌شدن و منطقه‌گرایی به مفهوم منطقه، منطقه‌گرایی قدیم و منطقه‌گرایی جدید پرداخته شده و سپس بطور اجمال الگوها و مدل‌های توسعه منطقه‌ای از دو منظر "مدل‌های اقتصادی توسعه منطقه‌ای" و مدل‌های مربوط به "سناریوهای همکاری و توسعه منطقه‌ای" مورد بررسی قرار گرفته و در پایان طی یک جمع‌بندی، الگوها و رویکردهای پیشنهادی برای توسعه منطقه جنوب غربی آسیا ارائه شده است.

واژگان کلیدی:

سناریو توسعه همکاری، مدل توسعه همکاری منطقه‌ای، جهانی‌شدن، منطقه‌گرایی جدید و قدیم، الگوی پیشنهادی موج مشترک همکاری منطقه‌ای

۱- دکترای مدیریت راهبردی و استاد دانشگاه عالی دفاع ملی

۲- پژوهشگر ارشد و کارشناس

مقدمه:

در آستانه هزاره سوم میلادی و دهه اول قرن بیست‌ویکم، تحولات محیط بین‌الملل و فروپاشی نظام دوقطبی در جهان موجب پیدایش ساختارهای جدیدی در ژئوپلیتیک جهانی شده است. نظم گذشته به هم ریخته و هم‌اکنون، جهان در دوران استقرار نظم جدید می‌باشد. رویکردها، نظریه‌ها، مدل‌ها و الگوهای مختلفی در شکل‌دهی به نظم آینده از سوی نظریه‌پردازان، دولت‌ها، بازیگران منطقه‌ای و جهانی در حوزه سیاست، فرهنگ و اقتصاد مطرح می‌گردد و هر یک از قدرتهای بزرگ در تلاش هستند با اتخاذ رویکرد متناسب با شرایط و توانمندی رقبا، نظم دلخواه خود را در جهان مستقر سازند.

بطور طبیعی همه بازیگران جهانی، منطقه‌ای و ملی به غیر از قدرت‌های استعمارگر علاقمند هستند که نظم آینده جهان زمینه‌ساز عدالت، صلح، برابری و رشد و شکوفایی زندگی جوامع انسانی و رفع فقر و تبعیض باشد؛ اما قدرت‌های سلطه‌گر که جهان را قلمرو حوزه نفوذ خویش در نظر می‌گیرند، تلاش می‌کنند تا فرهنگ، سیاست و اقتصاد خویش را در جهان ترویج نمایند و بسترهای مناسب اداره جهان را به دست آورند. تکنولوژی امواج اطلاعات، نظریه‌پردازی در حوزه‌های جهانی‌سازی و ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک جهان مبنای و تئوری‌هایی برای نیل به اینگونه اهداف و مروج سلطه و بهره‌برداری آنان قرار می‌گیرد.

اینکه قدرتها چه نظریه‌ای برای اداره جهان دارند، به میزان برخورداری آنان از مؤلفه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و تکنولوژیکی قدرت و جایگاه کنونی آنها مربوط می‌شود. از یکسو ابرقدرت‌های جهانی، قلمرو قدرت خویش را در سراسر جهان تعریف می‌کنند و به دنبال نظم، فرهنگ و ساختار مطلوب خویش هستند و از سوی دیگر سایر قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای در تلاش هستند تا نظام چندقطبی در جهان شکل گیرد و همه از حقوق مناسب برخوردار شوند. همچنین قدرت‌های ملی و منطقه‌ای هوشمند کوشش می‌کنند تا روابط و همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه منطقه‌ای و جهانی داشته باشند تا از این طریق به توسعه و رفاه دست یابند و پایداری و بقای عزتمند داشته باشند. در بستر و شناخت این روند می‌توان جوابگوی انتخاب الگوها، استراتژی‌ها و نحوه تنظیم روابط در بین کشورها و بازیگران را تجزیه و تحلیل و مطالعه نمود.

در این مقاله سعی شده است مؤلفه‌های مؤثر و شرایط عدم اطمینان محیط منطقه‌ای و بین‌المللی را بررسی نموده و روند تحولات سریع درون‌زا به برون‌زای منطقه آسیای جنوب‌غربی (بویژه خاورمیانه غربی، آسیای میانه، قفقاز، شبه قاره هند) و تأثیر روندها و تغییرات ژئواستراتژیک جهانی پس از فروپاشی نظام دوقطبی بر این منطقه از جهان را در سطح کلان مطالعه کند و نهایتاً

الگوی مورد نظر در سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی را با بهره‌گیری از نظرات دانشمندان و ارزیابی الگوهای تجربه‌شده موفق جهانی معرفی نماید. اهمیت و ضرورت این مطالعه به این دلیل است که در شرایط متحول و دگرگون‌ساز با تغییرات گسترده جهانی، منطقه‌ای و ملی نمی‌توان بی‌تفاوت بود و فقط تغییرات آن را درک کرد؛ باید سبب به طراحی و ایجاد ضربه‌گیرهایی برای کشور در مقابل تغییرات منطقه‌ای و جهانی اقدام نمود و با اتخاذ رویکرد فعال و آینده‌نگر و تلاش هوشمندانه و خستگی‌ناپذیر برای حداکثرسازی منافع ملی تلاش کرده و نسبت به شکل‌دهی نظم مطلوب منطقه‌ای و جهانی، راهبرد مؤثری انتخاب نمود. بدیهی است انتخاب رویکرد منفعلانه، با استراتژی استقلال و اتکاء به قدرت ملی و پیوستگی مردم و حکومت در کشور ناسازگار است.

شعار استقلال، آزادی و نه شرقی و نه غربی، جمهوری اسلامی؛ آرمان نسل‌های دیروز و امروز جامعه ایران است که هم‌اکنون محقق شده است. این دستاورد تحول‌ساز ارزشمند طی سه دهه گذشته از عمر پربرکت انقلاب اسلامی و حاکمیت مردم‌سالاری دینی در این سرزمین بر همگان آشکار بوده و مورد تحسین آزادگان، انقلابیون، مسلمانان و مستضعفان سراسر جهان قرار گرفته است. اما در شرایط کنونی جامعه ما با فرصت‌ها، تهدیدها، قوت‌ها و ضعف‌هایی در عرصه‌های بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی نیز مواجه می‌باشد. برای استفاده بهینه از شرایط کنونی، با هدایت رهبری معظم انقلاب اسلامی فرآیند مبارک و نوبنی در اداره جامعه هوشمند ایران اسلامی شکل گرفت؛ بطوریکه با اتخاذ رویکرد فعال، آینده‌نگر، سیستمی و اقتضایی و در نظر گرفتن آرمان‌ها، ارزش‌ها، خواسته‌ها و امکانات کشور، چشم‌انداز بیست‌ساله ایران در سال ۱۴۰۴ طراحی و تصویب و نهایتاً با تأیید مقام معظم رهبری به ارکان اداره‌کننده جامعه ابلاغ گردید.^۱

هم‌اکنون جهت تحقق اهداف منظور شده در سند چشم‌انداز بیست‌ساله ایران اسلامی، چه تحول رویکردی به توسعه ملی و منطقه‌ای باید بوجود بیاید؟ چالش‌های استراتژیک پیش‌روی آن کدامند؟ الگوهای همکاری دوجانبه و چندجانبه بین ایران و کشورهای منطقه آسیای جنوب‌غربی چگونه باید باشند؟ از تجارب منطقه‌گرایی و جهانی‌شدن در دیگر مناطق مختلف جهان چگونه می‌توان استفاده نمود؟ رویکرد ایران به توسعه و دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری منطقه‌ای در چارچوب چه نظریه و مدلی خواهد بود؟ آیا موج توسعه ایران موجب

^۱ - این سند در تاریخ ۱۳۸۲/۷/۱۹ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده و در تاریخ ۱۳۸۲/۸/۱۳

توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردید.

توسعه دیگر کشورها خواهد شد یا موجب گسترش حوزه نفوذ قدرت خویش بر دیگر کشورها می‌شود؟ گفتمان ایران منطقه‌ای در حوزه‌های مختلف منطقه‌ای از چه ویژگی‌هایی برخوردار بوده و نحوه همکاری و رقابت ایران با کشورهای منطقه از چه الگویی پیروی می‌کند؟ این سئوالات از مباحثی است که دغدغه فکری فرهیختگان ایران اسلامی را در سطح کلان به خود اختصاص داده است. از مهمترین این مسائل و شاید ضروری‌ترین آنها این مسئله است که رویکرد، الگو، ابعاد و متغیرهای مؤثر در توسعه آسیای جنوب‌غربی چه ویژگی‌هایی دارند و نقش ایران اسلامی در معرفی و بکارگیری این الگوها چه خواهد بود. بر همین اساس هدف این مقاله، دستیابی به مناسب‌ترین الگوی سازگار همکاری‌های منطقه‌ای در تحقق چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ هجری شمسی بوده تا بتواند ایجادکننده موج مشترک توسعه منطقه‌ای در آسیای جنوب‌غربی باشد.

۱- روش تحقیق

در این مقاله با مرور نظام‌مند منابع^۱ برای پیدا کردن، ارزشیابی، ترکیب و در صورت نیاز، جمع‌بندی، به مقالاتی می‌پردازند که قبلاً پیرامون موضوعات جهانی‌شدن، منطقه‌گرایی و مدل‌های توسعه منطقه‌ای به رشته تحریر در آمده‌اند. در این رابطه پس از جستجوی گسترده در اینترنت و کتاب‌های منتشر شده با عنوان منطقه‌گرایی و مرور مقالات از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۶ در ایران و جهان و بررسی پایان‌نامه‌های دانشگاه‌های بزرگ کشور که قریب به ۴۱۴ منبع را تشکیل داده‌اند و با توجه به اهداف و ماهیت پژوهش از روش فراتحلیل استفاده شده است. بطور کلی تجزیه و تحلیل‌های مورد استفاده در پژوهش را می‌توان به سه گروه تقسیم نمود:^۲

- تجزیه و تحلیل‌های نخستین^۳: زمانی اطلاق می‌شود که پژوهشگر، خود داده‌ها را جمع‌آوری کرده و برای به دست آوردن نتایج، آنها را تجزیه و تحلیل نماید.
- تجزیه و تحلیل‌های دومین^۴: زمانی اطلاق می‌شود که پژوهشگر، داده‌های مربوط به یک مطالعه قبلی را برای پاسخگویی به سؤال یا سئوالات جدید مورد تجزیه و تحلیل مجدد قرار دهد.

1 - Systematic reviews of the literature

2 - Decoster, J(2003). Meta - Analysis Notes . (<http://WWW.stat-help.com>) .

3 - Primary analyses

4 - Secondary analyses

- فراتحلیل‌ها^۱: زمانی اطلاق می‌شود که پژوهشگر، نتایج تعدادی از مطالعات اولیه را برای پاسخگویی به سؤال پژوهشی خود با یکدیگر ترکیب نموده و نتیجه جدیدی را به دست آورد. مهم‌ترین مزیت روش بکار رفته در مقاله آن است که با ادغام کردن نتایج مطالعات مختلف، قدرت مطالعه را در جهت یافتن نتایج معنی‌دار افزایش می‌دهد. همین خصوصیت سبب شده در سال‌های اخیر، تعداد مقالات مربوط به فراتحلیل‌ها که در منابع مختلف منتشر می‌شوند، افزایش چشمگیری داشته باشند.^۲

۲- پیشینه و مرور ادبیات:

جهانی شدن و منطقه‌گرایی در دهه‌های اخیر بویژه از اواخر دهه ۱۹۸۰ تاکنون با شدت و سرعت متغیری مطرح شد؛ اما پس از سال‌های ۱۹۹۱ که نظام دوقطبی دوران جنگ سرد به پایان رسید این واژگان در سطوح رسانه‌ای و بین سیاستمداران، اقتصاددانان، بازرگانان، دانشگاهیان و بنگاه‌های تولیدی و خدماتی کاربرد وسیعی پیدا کرد. اینکه هدف از بکارگیری این واژگان چیست، اشاره به روندها و رخداد‌های بنیادی در محیط جهانی دارد. تغییرات در شرایط کنونی تدریجی، آرام و کند نیست بلکه آهنگ این تغییرات بنیادی، تحول‌ساز و دگرگون‌کننده می‌باشد و حوزه‌های مربوط به سیاست، فرهنگ، اجتماع، اقتصاد، علم و فناوری را شامل می‌گردد و همه جغرافیای جهان از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه و توسعه‌نیافته را در بر خواهد گرفت.

مروری گذرا بر تعاریف جهانی‌سازی و منطقه‌گرایی موجب درک و فهم عمیق‌تر از این واژگان خواهد شد و در این چارچوب می‌توان جریان‌ها، روندها و رخداد‌های جهانی و منطقه‌ای را تحلیل و بررسی نمود. جهانی‌سازی چه ارتباطی با واژگانی مانند استعمار، امپریالیسم، مدرنیسم و هژمونیک، سلطه، یکپارچگی و ادغام فرهنگی و اقتصادی دارد و آیا این کلمه دارای بار منفی، مثبت و یا خنثی است و آیا مبانی ایدئولوژیک دارد؟

در نگاه مثبت، نظریه‌پردازان این بحث در صدد رشد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و بهبود دسترسی جوامع غنی و فقیر به فناوری مناسب برای بهبود سطح زندگی بشر و صلح و آزادی جهان می‌باشد؛ اما از طرفی بسیاری از افراد منتقد و دانشمندان غیروابسته به دولت‌های غربی، جهانی‌سازی را باعث بهم‌ریختگی باورها و هنجارهای اجتماعی دانسته و به نوعی جهانی‌سازی را استراتژی

^۱ - Meta analyses

^۲ Streiner, D.L (2003) Meta - analysis : A 12 step program . ([http:// WWW.Eamh.net](http://WWW.Eamh.net))

تابع‌سازی و وابسته نمودن هرچه بیشتر جوامع فقیر به دولت‌های ثروتمند می‌دانند. بر همین اساس تعاریف مختلفی از جهانی‌شدن و جهانی‌سازی صورت گرفته که به اختصار بررسی می‌گردد. از منظر برخی دانشمندان جهانی‌سازی مبحثی در ادامه مباحث مدرنیزاسیون و مدرنیته است در صورتیکه افراد دیگری وجود دارند که هیچگونه ارتباطی با گذشته برای جهانی‌سازی قائل نبوده و آن را فرآیند استانداردسازی می‌دانند که متعلق به دوران پسامدرن است در صورتیکه نظریه‌پردازان پسامدرن با این گروه دوم در تضاد و تعارض هستند و جهانی‌سازی را عامل تضاد، اختلاف و ناهمگنی می‌دانند.

۱-۲- مفهوم جهانی‌شدن:

«مک گرو» در خصوص جهانی‌شدن چنین می‌گوید: «افزایش شمار پیوندها و ارتباطات متقابلی که فراتر از دولتها (و در نتیجه فراتر از جوامع) دامن می‌گسترند و نظام جدید جهانی را می‌سازند. جهانی‌شدن به فرآیندی اطلاق می‌شود که از طریق آن حوادث، تصمیمات و فعالیت‌های یک بخش از جهان می‌تواند نتایج مهمی برای افراد و جوامع در بخش‌های بسیار دور کره زمین در بر داشته باشد»^۱

یکی از ویژگی‌های اصلی جهانی‌شدن ارتباطات متقابل است، اما بر خلاف وابستگی متقابل که بر دوجانبه بودن تأکید دارد، جهانی‌شدن امکان وابسته شدن را نیز در نظر دارد. مفهوم جهانی‌شدن به اهمیت نظم‌دهی مجدد زمان و مکان اشاره دارد. نظریه‌پردازان وابستگی متقابل، نگاه خود را روی بین‌المللی شدن روابط بین‌الملل متمرکز ساخته‌اند، در حالیکه نویسندگانی که در پارادایم جهانی‌شدن قلم می‌زنند از حرکت به سوی یک جامعه جهانی سخن می‌گویند.^۲ در دیدگاه برخی صاحب‌نظران، جهانی‌شدن با انحصار همخوان نیست، یعنی جهانی‌شدن این واقعیت را می‌پذیرد که انحصاری بودن یک واقعیت است و نه یک امکان تاریخی.^۳

«دیویدهاروی» مدعی است که جهانی‌شدن به مرحله‌ای شدید از فشردگی زمان و مکان منجر شده است که دارای تأثیر گیج‌کننده و مخربی بر روبه‌های سیاسی - اقتصادی، توازن قدرت طبقات و نیز بر زندگی فرهنگی و اجتماعی است.^۴

^۱ - Scholte, J.A, The International relations of Social Change, Buckingham , open university press, 1993, P 13-14.

^۲ - Shaw, M. Global society and Global responsibility : the theoretical, historical and political limits of international Society. Millennium, 21 , 1992, p311

^۳ - مارک ویلیامز، بازانديشی در مفهوم حاکمیت، ص ۱۳۸.

^۴ - منع قبلی، ص ۱۳۸.

«مارتین البرو» جهانی‌شدن را به فرآیندهایی که بر اساس آن تمام مردم جهان در یک جامعه واحد و فراگیر جهانی به هم می‌پیوندند، تعریف می‌کند.^۱ از دید فرهنگی نیز به طور خاص به جهانی‌سازی توجه شده است.

«مانوئل کاستل» با اشاره به عصر اطلاعات، جهان‌گرایی را ظهور نوعی جامعه شبکه‌ای می‌داند که در ادامه حرکت سرمایه‌داری پهنه اقتصاد، جامعه و فرهنگ را در بر می‌گیرد.^۲

«دیوید هلد» در کتاب دموکراسی و نظم جهانی (۱۹۹۶)، با وجود نگاه آسیب‌شناختی به جهانی‌شدن، این پدیده را حرکت به سمت نوعی دموکراسی جهان‌شهری تعبیر می‌کند که در عین حال کثرت فرهنگی و اقتصادی را نیز در خود خواهد داشت.^۳

«محمد عابد الجادیدی» به تفکیک دو مفهوم جهانی‌گرایی و جهانی‌شدن می‌پردازد و می‌گوید: «جهانی‌شدن یعنی به استقبال یک جهان رفتن، آشنا شدن با فرهنگ‌های دیگر و احترام گذاشتن به آراء و نظریه‌های دیگران، در صورتی که جهان‌گرایی نفی دیگران، نفوذ در فرهنگ‌های دیگر و محل برخورد ایدئولوژی‌هاست».^۴

مفهوم جهانی‌شدن در متون علوم اجتماعی به عنوان ابزارهای تحلیلی برای توصیف روندهای تغییر در زمینه‌های گوناگون ظاهر شده است. آنتونی ماکفرو در کتابش، تأخیر بررسی‌های جهانی، معتقد است که چهار روند اساسی برای جهانی‌شدن وجود دارد:

- رقابت میان قدرتهای بزرگ
- نوآوریهای تکنولوژیک
- جهانی‌شدن تولید و مبادله
- تجدد و نوگرایی^۵

«گرامشی» با وارد کردن واژه هژمونی به این عرصه، نقش نهادهایی نظیر خانواده، آموزش و پرورش، احزاب، سندیکا، کلیسا و وسایل ارتباط جمعی را بسیار اساسی می‌داند و معتقد است که این هژمونی از طریق این نهادها کسب می‌گردد و برنده کسی است که این زمینه را در

^۱ - مارک ویلیامز، بازاندرشی در مفهوم حاکمیت، ص ۱۳۸.

^۲ - محمد تقی قزلسفلی، جهانی‌شدن به رویا رویی همزیستی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، به شماره یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور ۱۳۷۹، ص ۱۴۴.

^۳ - منبع قبلی، ص ۱۴۴.

^۴ - منبع قبلی، ص ۱۴۵.

^۵ - عادل عبد الحمید علی، جهانی‌شدن و آثار آن بر کشورهای جهان سوم، ترجمه مهندس سید اصغر قریشی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور ۱۳۷۹، صص ۱۵۳-۱۵۲.

اختیار داشته باشد. «آلتوسر» فرانسوی نیز از دستگاه‌های ایدئولوژیک یاد می‌کند که معرف همان نهادهای مورد نظر گرامشی است که مسئولیت بازآفرینی نیروی انسانی را در جامعه به عهده دارد.^۱ به نظر ادگار موران پس از تبدیل استعمار مستقیم به غیرمستقیم یا استعمار نو، وادی فرهنگ از سوی غرب برگزیده شد و از این پس هر فردی که بر روی زمین متولد می‌شود، فکر و اندیشه او تحذیر می‌گردد و بنابراین استعمار، دائمی و همیشگی است و به محدوده‌های صرفاً جغرافیایی نیز ختم نمی‌گردد و ضرب و زور نظامی نیز در آن جایی ندارد. مهمترین ابزار این تحذیر فرهنگی رسانه است.^۲

۲-۲- مفهوم منطقه و منطقه‌گرایی:

کلمه "منطقه"^۳ اغلب جهت اشاره به بخش‌های مرزبندی شده از سطح زمین بکار می‌رود. منطقه در جغرافیا، به عنوان زمین‌هایی که بطور کلی بر اساس ویژگی‌های مشترک بخش‌بندی شده‌اند و یا ملاحظات کارکردی با وابستگی بینابین و یا ناحیه‌ای که حوزه یا قلمرو مدیریتی، سیاسی یا اقتصادی در آن اعمال شده است، تعریف می‌شود. در اغلب بررسی‌ها، منطقه اشاره به بخشی از یک کشور دارد. همچنین این کلمه نشانگر ماهیت سرزمینی بین کشورها نیز می‌باشد.

منطقه‌گرایی را می‌توان با رویکرد سیستمی بهتر شناخت و با توجه به اینکه در ابعاد فراملی به ماهیت بین کشورها از زاویه جغرافیایی، ژئوپلیتیکی و ژئوآکونومیکی اشاره دارد مناسب است که از نظریه روابط عمومی سیستمها^۴ در بررسی روابط دوجانبه - چندجانبه استفاده شود. یکی از رویکردهایی ارائه شده در این زمینه، مبتنی بر این فرض است که بر خلاف پیچیدگی‌ها و آشفتگی حاکم بر انبوه کنش‌های متقابل، ساختارهایی وجود دارند که بر اساس آنها می‌توان به توصیف سیستم بین‌الملل و پتانسیل رفتار یکایک دولت‌ها پرداخت.^۵ بهره‌گیری از این

^۱ - کاظم معتمد نژاد، مطالعات انتقادی در وسایل ارتباط جمعی، ص ۱۸.

^۲ - منبع قبلی، ص ۱۷.

^۳ - Region

^۴ - General Systems Theory

^۵ - دویچ، کارل، کیوهین، رابرت و . . . ، نظریه‌های روابط بین‌الملل، جلد دوم، ترجمه و تدوین بزرگی، وحید، ماجد،

تهران، ۱۳۷۵، ص ۲۳۵

نظریه به ما کمک می‌کند تا عوامل ایجاد وحدت یا تفرقه در روابط متقابل دولت‌ها را جستجو نمائیم.^۱

از این منظر می‌توان سیستم‌ها را بر اساس نظریه سیستم‌های مسلط یا جهانی^۲، سیستم تابع یا منطقه‌ای^۳ و سیستم داخلی یا ملی^۴، تقسیم نمود.^۵ بدین معنی که سیستم مسلط (ابرسیستم) در صحنه جهانی عبارت از برخورد و مقابله قدرتمندترین کشورها؛ سیستم تابع عبارت از کل کنش و واکنش روابط در یک منطقه و نهایتاً سیستم داخلی عبارتست از کلیت روابط سازمان‌هایی که سیاست داخلی آن ملت - کشور را تشکیل می‌دهند.^۶

تعریف «کانتوری» و «اشپیگل» از منطقه عبارت از نواحی^۷ و بخش‌هایی از جهان است که از نظر جغرافیایی از چند کشور مجاور یکدیگر شکل گرفته و در امور خارجی با یکدیگر ارتباط متقابل دارند.^۸

چهار متغیر الگوئی را که بر اساس آنها می‌توان میزان همبستگی و انسجام در هر منطقه را ارزیابی نمود اینگونه برمی‌شمرند:

- ماهیت و سطح همبستگی^۹ یا میزان مشابهت یا مکمل بودن خصوصیات واحدهای سیاسی مورد نظر و میزان تعامل میان این واحدها
- ماهیت ارتباطات^{۱۰} در دل منطقه
- سطح قدرت^{۱۱} با این تعریف از قدرت: توانایی بالفعل یا بالقوه و تمایل یک کشور برای هماهنگ ساختن فرآیندهای تصمیم‌گیری دیگر کشورها با سیاست‌های خود
- ساختار روابط^{۱۲} درون منطقه

^۱ - کاظمی، علی اصغر، روابط بین‌الملل در تنوری و در عمل، قومس، تهران، ۱۳۷۲، ص ۶۹.

^۲ - Dominant System

^۳ - Subordinate System

^۴ - Internal System

^۵ - سلیمانی فارسانی، بیژن، "تحلیلی بر منطقه‌گرایی جدید و نقش آن در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی"، دانشگاه شهید

بهشتی، ۱۳۷۷، ص ۸

^۶ - Speigel. L. Steven and Cantori. G. Louis, The international Politics of Regions: A comparative Approach (Englewood cliffs N.J. Prentice-Hall, 1970, P.23

^۷ - Area

^۸ - Ibid, P.1

^۹ - Nature and level of Cohesion

^{۱۰} - Nature of Communications

^{۱۱} - Level of Power

^{۱۲} - Structure of Relations

با عنایت به این چهار متغیر الگویی، هر سیستم تابع خود از سه بخش مرکز، پیرامون و مداخله‌گر تشکیل می‌شود و هر بخش ممکن است یک یا چند دولت را دربرگیرد.^۱

بنابراین بطور کلی می‌توان چنین مطرح نمود که در بین نویسندگان و نظریه‌پردازان جهانی، تعاریف مختلفی از منطقه‌گرایی وجود دارد ولی علی‌رغم تلاش‌های قابل ملاحظه‌ای که در جوامع فکری ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ برای تعیین و تعریف منطقه و زیرسیستم‌های منطقه صورت پذیرفت اما در نیل به یک توافق کلی ناموفق بود که همچنان تعریف مشخص در مورد منطقه به صورت مبهم باقی مانده است.^۲ گروهی منطقه را به عنوان یک حوزه جغرافیایی، یک موجودیت فرهنگی، یک واحد اقتصادی، یک تقسیم‌بندی سیاسی یا ترکیبی از چند یا کلیه عناصر فوق، مورد تعریف قرار می‌دهند. از اینرو لازمه ایجاد تقسیمات عقلانی منطقه‌ای، امر مشکلی است و مرزهایی که برای یک منظور ایجاد شده‌اند، لزوماً برای اهداف دیگر مناسب نمی‌باشند.^۳

اینکه کدامیک و یا ترکیبی از تعاریف را برای منطقه انتخاب نمائیم؛ منظور ما در این مقاله شامل منطقه‌ای، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است که از ویژگی‌های هم‌جواری و پیوستگی، در حال توسعه بودن، تک‌محصولی و اسلامی می‌باشد. با توجه به این مفهوم بازیگران در یک روند تعاملی می‌توانند واگرایی را نفی کرده و همگرایی را برای توسعه و انسجام منطقه‌ای در اولویت قرار دهند. سطح منطقه‌ای بر روابط میان چند کشور و به حوزه‌های مشترک آنها در زیرسیستم‌های ژئوپولیتیکی که در یک منطقه جهانی همگرایی را مورد توجه قرار می‌دهند اشاره می‌کند و در نتیجه مفهوم همگرایی منطقه‌ای یا همگرایی در سطح بین‌الملل که توجه به انسجام واحدهای سیاسی در سطح جهان دارد سازگار می‌باشد.

ابعاد همگرایی چیست؟ دانشمندان همگرایی را پویا چندبعدی می‌دانند^۴ که دارای ابعاد مختلفی است و از مجموع مطالعات آن می‌توان به رهیافت‌های مهمی که در پدیده همگرایی منطقه‌ای ارائه شده است، مطابق جدول شماره ۱ اشاره نمود.

^۱ - منبع قبلی، ص ۹.

^۲ - Alagappa, Muthiah, "Regional Institutions, The un and international security: A framework for analysis", Third world Quarterly, Vol 18, No 3, 1997, P.423.

^۳ - Yalem Ronald, Regionalism and world order, public Affairs, Washington. D.C. 1965, P.15

^۴ - دوترتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت، "نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل"، ترجمه طیب، علیرضا و بزرگی، وحید، جلد دوم، قومس، تهران، ۱۳۷۲، ص ۶۱۸-۹.

جدول شماره ۱ - مقایسه رهیافت‌های همکاری منطقه‌ای^۱

۱- محصول نهائی	فدرال‌گرایان	کارکردگرایان	نوکارکردگرایان	کثرت‌گرایان
ساختار	دولت فوق ملی	شبکه‌های اداری مسئول نیازهای جامعه	نظام تصمیم‌گیری فوق ملی	جامعه دولتها
اثار شواهد	توزیع قدرت (رسمی-غیررسمی)	میزان تطابق در میان ساختارها و کارکردها (لایه‌لایه‌ای نیازها)	محل تصمیمات (عرصه و سطح)	احتمال حل صلح‌آمیز اختلافات (ارتباطات، شدت جریانات)
۲- فرآیند سطح تحلیل	فدرال‌گرایان	کارکردگرایان	نوکارکردگرایان	کثرت‌گرایان
نظام	انقلاب انجمنی؛ توزیع آشکار قدرت و اقتدار	خودگردانی فنی؛ محرکها و نیازهای کارکردی و دگرگونیهای تکنولوژی	توسعه سیاسی؛ رشد نهادهای مرکزی از طریق پیوندهای پیشرو	رشد خودپایدار، همبستگی و ساختار غیررسمی
دولت	چانه‌زنی در تعامل	همکاری با یکدیگر برای حل مسائل فنی و اقتصادی	فرآیند چانه‌زنی که طی آن دولتها منافع را از میان گروههای دیگر دنبال می‌کنند	افزایش و ظرفیت اطلاعات تصمیم‌گیری و پاسخگویی
افراد	تمايز میان وفاداری‌ها براساس سطح حکومت	عادت همکاری از ارضای نیازهای نفع‌طلبانه توسط نهادهای جدید ایجاد می‌شود	آمیز و حل تعارض با ایستارهای نخبان	یادگیری اجتماعی از طریق ارتباطات و اندرکنش (توده‌ها و نخبان)
۳- سنجش متغیرهای عمده	فدرال‌گرایان	کارکردگرایان	نوکارکردگرایان	کثرت‌گرایان

^۱ - کولایی، الهه، "نقش اکو در همکاری منطقه‌ای" رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۴، صص ۷-۴۶.

- پیوندهای ناگسستی ارتباطات اجتماعی	- اندازه واحد - میزان مبادلات - کثرت‌گرایی (حکومت)	- تجارت بین‌الملل و توافق‌های تجاری - دگرگونی فنی و همکاری در میان ملتها	- سیاست و قدرت (تقسیم و تفکیک و ...)
- چندگانگی ارتباطات و مبادلات افراد - تحرک افراد	- هم‌تکمیلی نخبگان - اهداف حکومتی - قدرتهای اتحاد	- ایجاد سازمان بین‌المللی - ایجاد همبستگی - توافق‌های رفاه اجتماعی در میان دولت‌ها	- تعیین سیاسی - فرآیند - تصمیم‌گیری - کنترل در برابر خشونت
- دگرگونی درونی در نقش‌های گروه - قابلیت پیش‌بینی - متقابل رفتار - جریان کالا	- شيوه تصمیم‌گیری - نرخ مبادله - قابلیت انطباق - ادراکات حکومت - فشار خارجی	- خودگردانی فنی	- نخبگان سیاسی - روابط حکومت و مردم - برابری افراد - حکومتی - انجمن‌گرایی - عدم تمرکز و تنوع
- اطلاعات جمعیت و نهادهای میان کشورها			

۳- منطقه‌گرایی جدید:

در سال ۱۹۹۰ جرج بوش پدر برای اولین بار از نظم نو جهانی خبر داد و گفت: "امروز جهان فقط یک قدرت «فائق مطلق» می‌شناسد که همان ایالات متحده آمریکا است"^۱؛ اما امروز شاهد ظهور قدرت‌های محلی و دعوت برای تقویت ترتیبات منطقه‌ای، محور اصلی و اساسی بسیاری از گفتگوها درباره ماهیت نظم بین‌الملل پس از دوره جنگ سرد شده است. بلوک‌بندی‌های منطقه‌ای^۲ در مناطق مختلف جهان مانند اروپا و شرق آسیا در حال شکل‌گیری و رو به تکامل است. منطقه‌گرایی جدید در ظهور مجدد خود از ویژگی‌های زیر برخوردار است:

- ویژگی مهم منطقه‌گرایی جدید، گوناگونی انواع و اقسام و درجات عملکرد آنهاست.
- تجدید حیات علائق منطقه‌ای و طرح‌های منطقه‌ای در یک چارچوب جهانی تجلی پیدا کرده است.
- منطقه‌گرایی «شمال - جنوب» از ویژگی‌های مهم منطقه‌گرایی جدید است.

^۱ - New york Times, 28 January, 1992.

^۲ - Blic Regionalism

- منطقه‌گرایی جدید از ماهیتی چندبعدی برخوردار است و ترسیم خط تقسیم بین منطقه‌گرایی اقتصادی، سیاسی از همیشه مشکل‌تر شده است.^۱

منطقه‌گرایی دارای نیروی بالقوه‌ای جهت تسهیل ارتباطات، جامعه‌سازی، تبادل اطلاعات، توسعه و گسترش علوم و اقدام مشترک می‌باشد که در عمل، کنش متقابل منظم، حل‌وفصل زیربنایی مشکلات، گسترش ارزش‌های مشترک، افزایش قدرت و نفوذ جمعی بازیگران منطقه‌ای را سبب می‌گردد.

منطقه‌گرایی در مفاهیم همبستگی اجتماعی (قومیت، نژاد، زبان، مذهب، فرهنگ، تاریخ، احساس تمدن و میراث مشترک)، همبستگی اقتصادی (شیوه‌های تجارت و ارتباطات متقابل اقتصادی)، همبستگی سیاسی (شکل رژیم و ایدئولوژی) و همبستگی سازمانی (وجود نهادهای رسمی منطقه‌ای) تعریف و تقسیم می‌گردد.

امروزه نظرات جدیدتری نیز بر ترفیق جهانی‌سازی و منطقه‌گرایی مطرح می‌شود، به عنوان نمونه کارل دویچ می‌گوید: "ما در عصری از وابستگی متقابل زندگی می‌کنیم. این جمله نشانگر احساس گسترده ولی نسبتاً ناشناخته‌ای است که از تغییر ماهیت سیال سیاست جهانی حکایت می‌کند."^۲

منطقه‌گرایی همراه با ابعاد استراتژیک، ژئوپلیتیک، روابط خارجی، فرهنگ و اقتصاد، پایه اصلی همگرایی و توسعه همکاریها در بسیاری از بخش‌های جهان می‌باشد. مثال‌های فراوانی را می‌توان از گروه‌بندی‌های منطقه‌ای که باعث متحول شدن اهداف و دیدگاه‌های سنتی به سوی سیستم‌های بازتر، پویاتر و گسترده‌تر می‌شوند را مطرح نمود و به شیوه‌های همزیستی مسالمت‌آمیز، مسئولیت مشترک در توسعه منطقه‌ای اشاره کرد. موضوعات تنش‌زای دوجانبه بسیاری را می‌توان مثال زد که جای خود را به مفاهیم بزرگتر و وضعیت برد - برد ایجاد شده بواسطه منطقه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی داده است. در چندین منطقه جهان، همکاری منطقه‌ای تبدیل به موضوعی پراهمیت و موجب تحولات چشمگیر در بعضی از گزینه‌های استراتژیک منطقه، کنش‌های سیاسی، جهت‌گیری‌های اقتصادی و دستیابی به توسعه شده است.

از سوی دیگر، فرآیند همگرایی، شکلی پیشرفته و تکامل‌یافته از همکاری چندجانبه - دوجانبه بوده که منجر به اتحاد و انسجام می‌گردد که در آن کالاها، خدمات، نیروی کار و سرمایه می‌توانند آزادانه و بدون هیچگونه مانعی جابجا شوند. این مرحله یک مرحله متعالی می‌باشد که

^۱ - Chishti, Sumitra, "Regionalism Multilateralism, and the developing countries since the end of Cold War", International studies, Vol 32, No.4, 1995, PP.461-5

^۲ - دویچ، کارل، کیهین، رابرت، نظریه‌های روابط بین‌الملل، جلد دوم، ترجمه و تدوین بزرگی، وحید، ماجد، تهران،

موجب هماهنگی و هم‌نوائی در راهبردها، اهداف، فعالیت‌ها و فرهنگ، اجتماع و سیاست و همکاری‌های امنیتی، دفاعی، رسانه‌ای، علمی و فنی می‌گردد.

کشورهای سراسر جهان دریافته‌اند که هماهنگ شدن با تحولات سریع و شرایط در حال پیدایش، هم پیچیده و هم چالشی می‌باشد. آنها به دنبال تعریف سازوکار جدیدتر در سیاست خارجی و جستجو برای شرکا، صفت‌بندی‌ها و پیوندها می‌باشند و نهادهای جدید با جهت‌گیری‌های سیاستی شفاف را ایجاد می‌کنند.

برای دولت‌ها، منطقه‌گرایی می‌تواند به عنوان یک سازوکار مشترک قدرتمند در جهت گسستن، تضعیف انحصارات و گروه‌های منفعت‌طلب عمل نماید و بواسطه گسترش ریشه‌های بازار ملی و منطقه‌ای و برانگیختن رقابت، می‌تواند قدرت بازدارنده رشد در چنین گروه‌های داخلی را تضعیف نماید. این امر می‌تواند حس رقابت را در درون منطقه بوجود آورده و نیروهای رقابتی قوی‌تر می‌توانند موجب تقویت رشد و پویایی رقابت در بازارهای جهانی گردند.

عوامل استراتژیک متعددی که در فرایند همکاری و همگرایی بلوک‌های منطقه‌ای، تعیین‌کننده بوده و از نظر اقتصادی و سیاسی مورد توجه قرار گرفته‌اند عبارتند از:

الف) عوامل اقتصادی

- سطح توسعه اقتصادی در منطقه و تمایزات بین کشورهای عضو
- سطح اقتصادی و سایر روابط متقابل در کشورهای عضو
- بهینه کردن مناطق اقتصادی که به تازگی تشکیل شده‌اند.
- مکمل بودن منابع و عوامل تولید بعلاوه پتانسیل توسعه بعنوان یک واحد کامل
- ماهیت روابط اقتصادی با کشورهای ثالث و جای گرفتن موضوعات اقتصادی خارجی در اقتصاد ملی گروه‌های مذکور
- ثبات‌پذیری مدل‌های منتخب و تعیین نوع سیاست‌های همگرایی از منظر شرایط موجود

ب) عوامل سیاسی

- درجه همگنی^۱ سیاسی در منطقه
- سطح و ثبات سیاسی که برای همگرایی مناسب باشد
- الگوی روابط (سیاسی) خارجی در گروه‌ها، خصوصاً با قدرت برتر و قدرتهای محور سابق
- کارایی مؤسسات و سازمان‌های مشترک و امکان‌پذیر بودن فعالیت خلاق آنها در راستای علایق مشترک در درون گروه

^۱ - Homogeneity

همانطوری که در پیشینه تاریخی مبانی، نظرات و تحولات منطقه‌گرایی مباحث فشرده‌ای از دید صاحب‌نظران مطرح گردید پس از فروپاشی نظام دوقطبی و پایان جنگ سرد نظریات جدید منطقه‌گرایی در دهه ۱۹۹۰ همچون دهه ۱۹۳۰ به عنوان حرکت بسوی خودکفائی سرزمینی تلقی نمی‌شود. به بیان دقیق‌تر پیامد تمرکز و تعامل قدرتهای اقتصادی و سیاسی در حال رقابت در سطح جهانی با جریان‌های درون منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای چندگانه می‌باشد^۱ که از این منظر به تمایزها، تضادها و تفاوت‌های منطقه‌گرایی جدید و قدیم در جدول شماره ۲ اشاره می‌شود.

منطقه‌گرایی جدید بخشی از تحولات ساختار جهانی را شکل می‌دهد که در این پدیده نقش آفرینان غیردولتی فعال بوده و خودشان را در سطوح مختلف سیستم جهانی به اثبات رسانده‌اند. این موضوع از نقطه‌نظر منطقه منفرد قابل درک نمی‌باشد. همچنین منطقه‌گرایی جدید، پیش‌فرض رشد جامعه مدنی منطقه می‌باشد و برای حل مسائل و مشکلات محلی، ملی و جهانی ارجحیت دارد. در چنین شرایطی نه فقط اقتصاد بلکه شبکه‌های فرهنگی و اجتماعی غیردولتی نیز توسعه‌ای سریعتر نسبت به همکاری‌های سیاسی رسمی در سطح منطقه خواهند داشت.

منطقه‌گرایی جدید با رویکرد تلفیقی بواسطه درآمیختن جنبه‌های تک‌بعدی که تابحال منحصر به منطقه‌گرایی قدیم بوده، گستره‌ای فراتر از منطقه‌گرایی قدیم دارد.

جدول شماره ۲- تضادها و تفاوت‌های منطقه‌گرایی جدید و قدیم

منطقه‌گرایی جدید	منطقه‌گرایی قدیم
در نظام چندقطبی رخ می‌دهد.	در نظام دوقطبی و شرایط جنگ سرد، تشکیل و شکل داده شد.
فرآیندی خودجوش از درون منطقه و تابع منطقه از پائین به بالا بوده که خود کشورها بوجود آورنده آن می‌باشند.	بصورت سلسله‌مراتبی از بالا به پائین شکل داده شد.
سایر نقش‌آفرینان بطور فزاینده حامی همگرایی منطقه‌ای می‌باشند.	همگرایی اقتصادی، درون‌گرا و مبتنی بر حمایت از صنایع داخلی بود.
اغلب بصورت باز تعریف می‌شوند و بنابراین با اقتصاد جهانی غیروابسته، سازگار می‌باشند.	با توجه به اهداف مشخص می‌شد و بعضی سازمان‌ها، امنیت‌محور و بعضی دیگر

¹ Mittelman, James H, "Rethinking the New Regionalism in the Context of Globalisation" in Bjorn Hettne et al, *Globalism and the New Regionalism*, UNU/WIDER Study, Macmillan, London, 1999, p 27

	اقتصادمحور بودند.
فراآیندی جامع‌تر و چندوجهی بوده که شامل تجارت، همگرایی اقتصادی، محیط زیست، سیاست اجتماعی، امنیت و دموکراسی می‌باشد. پیامدی قابل توجه و دارای مشروعیت دارد.	فقط معطوف به روابط بین دولت‌های ابرقدرت بود.

منبع: Hettne, Bjorn et al, *Globalism and the New Regionalism*, UNU/WIDER Study, Macmillan, London, 1999.

۴- سطوح منطقه‌بندی جدید

پنج سطح منطقه‌بندی^۱ ابتکار جدید نظریه‌پردازان در منطقه‌گرایی جدید است.

الف - منطقه به عنوان یک واحد جغرافیایی که کم و بیش با مرزهای فیزیکی تقسیم‌بندی شده و با ویژگی‌های اکولوژیک علامتگذاری می‌شود.

ب - منطقه به عنوان سیستم اجتماعی، که مستلزم روابط فرامحلی^۲ بین گروه‌های انسانی می‌باشد.

ج - منطقه که سازمان‌دهنده همکاری در هر حوزه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی باشد.

د - منطقه به عنوان جامعه مدنی که وقتی چارچوب سازمانی، موجب ترویج و گسترش ارتباطات اجتماعی و همگرایی ارزش‌ها در کل منطقه شود؛ شکل می‌گیرد.

ه - منطقه که تحت یک هویت متمایز، توانایی بازیگر، ساختار و مشروعیت تصمیم‌گیری، نقش‌آفرینی می‌کند^۳.

به عبارت دیگر محرک‌ها و نقش‌آفرینان متعددی از قبیل دولت‌ها، بازار، و جامعه مدنی وجود دارند که به عنوان نیروهای فشار^۴ در منطقه‌گرایی جدید عمل می‌نمایند. همچنین منطقه‌گرایی جدید، ارجحیت رشد جامعه مدنی منطقه‌ای را جهت حل مسائل و مشکلات محلی و ملی، پیشنهاد

¹ - Regioness

² - Trans - Local

³ Hettne, Bjorn, "Globalisation and the New Regionalism : The second Great Transformation", in Bjorn Hettne et al, *Globalism and the New Regionalism*, UNU/WIDER Study, Macmillan, London, 1999, pp 7-11

⁴ - Pushing Forces

می‌دهد. همانطوریکه اشاره شد الزامات اینگونه منطقه‌گرایی نه فقط اقتصادی بلکه توسعه شبکه‌های فرهنگی و اجتماعی با سرعتی بیشتر از همکاری‌های سیاسی رسمی در سطح منطقه می‌باشد.^۱ بر خلاف رویکرد "بالا به پائین" که از سوی گروه‌بندی‌های منطقه‌ای مبتنی بر پارادایم سنتی اتخاذ می‌شده، در پارادایم جدید منطقه‌گرایی بصورت "پائین به بالا" با تکیه بر دو محور اقتصادی و اجتماعی شکل می‌گیرد:

- محور اقتصادی (منطقه‌گرایی مبتنی بر کسب و کار و بازار خصوصی)

در شرایط اقتصاد سیاسی آزادتر، نیروهای اقتصاد خصوصی سریع‌تر و یا حداقل کارآمدتر از نقش‌آفرینان حکومتی و دولتی عکس‌العمل نشان می‌دهند. در مناطق مختلف، تنوع عظیمی از شبکه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی خصوصی و قومی وجود دارد که چه بزرگ باشند و چه کوچک، استراتژی‌های منطقه‌ای را بخوبی توسعه داده‌اند. برای مثال در جنوب آفریقا، بنگاه‌های آفریقای جنوبی، از بخش‌های کارآمد و استراتژی‌های منطقه‌ای واقعاً پیشرفته‌ای در حوزه‌های غذا، نوشیدنی، بازرگانی و گمرک، معدن، بانکداری و خدمات مالی برخوردار می‌باشند.

- محور اجتماعی (جامعه متشکل از افراد)

این موضوع در رشد مبتنی بر همکاری و اتکای متقابل بین انواع عظیمی از سازمان‌های جامعه مدنی و شبکه‌های بین فردی و بین‌المللی دیده شده است. برای مثال شبکه‌های قومی و خانوادگی، پیوندهای مذهبی که متکی بر سرمایه اجتماعی جوامع، گروه‌ها، سازمان‌ها و حوزه‌های تمدنی و فرهنگی می‌باشند.^۲

۵- مدل‌های توسعه منطقه‌ای

کلمه مدل می‌تواند هم به الگوهای خاص جغرافیایی و تاریخی توسعه اشاره نماید که در اینصورت هدف آن شناسایی گوناگونی اشکالی است که می‌توان برای توسعه فرض کرد و هم به

¹ Hettne, Bjorn, "The New Regionalism : Implications for Development of Peace" in Bjorn Hettne and Andras Inotai (ed), *Comparing Regionalism : Implications for Global Development and International Security*, A UNU/WIDER Study, Helsinki, 1994.

² - Michael Schultz et al in Bjorn Hettne and Andras Inotai (ed), *Comparing Regionalism: Implications for Global Development and International Security*, A UNU/WIDER Study, Helsinki, 1994. pp 254-255.

چکیده یا بیان مفهومی ساده از ویژگی‌ها و نمایانگرها در بحران‌های دنیای واقعی اشاره نماید که در این صورت هدف آن عبارت است از بیان این کارکردها و شناسایی مکانیزم‌های علی اصلی در آنها. بطور کلی کلمه توسعه به مفیدتر کردن ناحیه یا کارآمدتر کردن چیزهای مفید (توسعه ناحیه یا درون آن) یا توسعه مردمی که در درون یک ناحیه بسر می‌برند (توسعه انسانی) اشاره دارد و اغلب به این ایده مربوط می‌شود که سرزمین‌ها و ساکنان آن می‌توانند از مرحله پست‌تر به مرحله متعالی‌تر گذر کنند. بنابراین توسعه فرآیندی است که در آن مردم در آن نقش‌آفرینی می‌کنند و از آن بهره‌مند می‌گردند. در این مقاله از دو منظر به مدل‌های توسعه پرداخته شده است.

۱-۵- مدل‌های اقتصادی توسعه منطقه‌ای

این گروه بیشتر بر ابعاد تئوریک اقتصادی در توسعه منطقه‌ای، یعنی منابع و نیروی کار تأکید دارد و می‌توان ادعان نمود که مبتنی بر رقابت آزاد بوده و در شکل‌گیری اینگونه همکاری‌ها، دولت‌ها و حکومت‌های رسمی ایفای نقش نموده‌اند. مهمترین انواع مدل‌ها در این دسته عبارتند از:

۱-۱-۵- مدل‌های همگرایی نئوکلاسیک^۱

۲-۱-۵- مدل علیت دورانی و مضاعف^۲

۳-۱-۵- تئوری‌های مدرنیزاسیون، وابستگی و مبادلات نامتقارن^۳

۴-۱-۵- مدل‌های توسعه درونزا^۴

۵-۱-۵- مدل‌های جغرافیای اقتصادی^۵

۲-۵- سناریوهای همکاری و توسعه منطقه‌ای

این گروه شامل مدل‌هایی است که واقع‌بینانه‌تر بوده و از احتمال اجرای بیشتری برخوردار می‌باشند. مدل‌های این گروه بر توسعه همکاری‌ها از طریق دخالت و مدیریت دولت‌ها تأکید داشته و تمرکز آنها بر ارتباط بین حوزه‌های زیرساختی اجتماعی، اقتصادی و زیربنایی می‌باشد. بطور کلی تقسیم‌بندی "سناریوهای همکاری و توسعه منطقه‌ای" به قرار زیر می‌باشد:

۱-۲-۵- سناریوی "توسعه رقابتی با محوریت بازار"

۱-۲-۱-۵- مدل کریدور

۲-۲-۱-۵- مدل منطقه تأثیر دوشاخه

^۱ - Neo-classical convergence models

^۲ - Circular and cumulative causation

^۳ - Theories of modernization, dependency and unequal exchange

^۴ - Models of endogenous development

^۵ - Economic geography models

۲-۲-۵. سناریوی "توسعه همکاری منطقه‌ای با مدیریت و هدایت دولتی"

۱-۲-۲-۵. مدل شبکه‌ای

۲-۲-۲-۵. مدل شبکه‌ای مفصل

با توجه به توضیحات و تقسیم‌بندی ذکر شده، در ادامه هر کدام از مدل‌ها و سناریوهای فوق به اجمال تشریح می‌گردد.

۱-۵. مدل‌های اقتصادی توسعه منطقه‌ای

عموماً در این دسته از مدل‌ها، توسعه با محاسبه مقدار ثروت (تولید ناخالص ملی) تولید شده در یک ناحیه خاص در یک سال خاص یا مقدار درآمد عاید شده برای ساکنان ناحیه (درآمد ملی ناخالص) مورد سنجش قرار می‌گیرد. اغلب مدل‌های توسعه منطقه‌ای، هم بیان‌کننده چنین افزایش‌هایی در تولید و درآمد و هم بیان‌کننده اقدامات و پیشرفت‌هایی است که چنین بروندهایی را به ارمغان می‌آورد. اگرچه هدف این قسمت، بیان طرح کلی این مدل‌ها می‌باشد، اما یادآوری این نکته مهم است که تولید ثروت وسیله‌ای برای رسیدن به یک هدف می‌باشد و به خودی خود هدف نمی‌باشد و به قول سیرس^۱، هدف از توسعه کاهش فقر، نابرابری و بیکاری می‌باشد.

۱-۱-۵. مدل‌های همگرایی نئوکلاسیک

رشد نئوکلاسیک^۲، توسعه منطقه‌ای و مدل‌های تجارت^۳ مبتنی بر این ایده می‌باشد که رشد منطقه‌ای وابسته به تأمین و بهره‌مندسازی از منابع می‌باشد. مدل‌های تجارت، تأمین منابع را و مدل‌های رشد، جمعیت و پیشرفت‌های فنی را بصورت برونزا تلقی می‌کنند. با وجود آنکه منابع سرمایه، وابسته به نرخ پس‌انداز و سرمایه‌گذاری/انباشت سرمایه فیزیکی می‌باشد؛ با این وجود در این مدل فرض بر این است که سرمایه فیزیکی مازاد تأثیری بر رشد ندارد. مدل‌های توسعه منطقه‌ای نئوکلاسیک بطور صریح و آشکار، جابجایی آزاد سرمایه و نیروی کار، کالا و خدمات و اثر آنها بر تأمین منابع منطقه‌ای را جایز شمرده است (برای مثال می‌توان به افزایش منابع انسانی در نواحی از شبکه منطقه‌ای بصورت مهاجرت اشاره نمود).

^۱ - Seers, Dudley (1969) The meaning of development. International Development Review 11(4):3-4.

^۲ - Neoclassical growth

^۳ - trade models

این مدل‌ها، توجهی به روابط اجتماعی و عملکرد سازمانی ندارند و در عوض فرض بر این است که مکانیزم‌های بازار بطور اتوماتیک تمام منابع را تأمین می‌نماید. همه این مدل‌ها متکی به فرضیات مربوط به رقابت سالم مبتنی بر مکانیزم بازار و اقتصاد آزاد هستند.

مدل‌های همگرایی نئوکلاسیک اقتصادی در سه گروه زیر تقسیم‌بندی می‌شوند:

- اولین گروه از این مدل‌ها شامل مدل رشد آهسته^۱ می‌باشد. فرضیات بنیادی این مدل مبتنی بر این ایده و نظر است که عملکرد اقتصادی منطقه‌ای بستگی به عوامل زیر دارد:

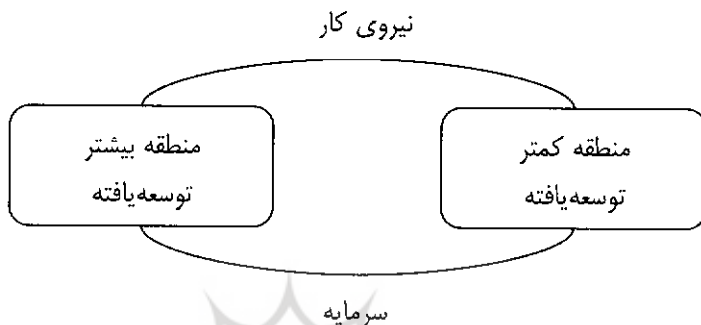
- رشد در حجم سرمایه و ورود نیروی کار به بازار

- تحولات تکنیکی که موجب افزایش بهره‌وری می‌گردد.

- دومین گروه از مدل‌های نئوکلاسیک توسعه اقتصاد منطقه‌ای ایجاب می‌کند که جریان سرمایه به سرزمین‌های کم‌درآمد و نیروی کار به سرزمین‌های با درآمد بالا، موجب متعادل‌سازی درآمد سرانه می‌شود. در این حالت، عقیده بر این است که جابجایی نیروی کار از سرزمین‌های با دستمزد پائین به سرزمین‌های با دستمزد بالا موجب افزایش دستمزد در مبدأ و کاهش آن در مقصد خواهد شد. سرمایه در جهت عکس حرکت خواهد کرد؛ بطوریکه انتظار می‌رود نرخ بهره در سرزمین‌های کمتر توسعه‌یافته افزایش یابد (شکل شماره ۱). بر اساس این استدلال این جابجایی آنقدر ادامه خواهد یافت تا اینکه تفاوتی در نرخ بازگشت در نواحی مختلف وجود نداشته باشد. الزام تحقق این مدل آن است که مهاجرت سرمایه به داخل، بیشتر از خروج نیروهای کار و کمتر از افزایش محلی دستمزدها باشد. تعدادی از نمونه‌های اخیر، علامت سئوالی بر این نتیجه‌گیری قرار می‌دهد: برای مثال، اعضای جوامع پراکنده هندی در دره سیلیکون، نقش مهمی در فراهم آوردن بستر سرمایه‌گذاری در بنگلور بازی کردند که این امر نشان‌دهنده روابط متقابل بین صادرات نیروی کار و ورود سرمایه می‌باشد.

^۱ - Slow Growth Model

شکل شماره ۱: جریان‌های درآمد و عوامل و پویایی‌های منطقه‌ای در گروه دوم از مدل‌های رشد نئوکلاسیک



- سومین گروه از مدل‌های نئوکلاسیک توسعه اقتصاد منطقه‌ای عبارت از تفسیر تناسبات عامل نئوکلاسیک در مورد تخصص‌گرایی و بازرگانی می‌باشد. این مدل‌ها متناسب‌سازی قیمت عامل را مستقل از جابجایی عامل می‌داند. بر اساس این مدل سرزمین‌هایی که دارای فعالیت‌های تخصصی که استفاده فزاینده از منابعی می‌کنند که نسبتاً فراوان می‌باشد؛ سرزمین‌های غنی از نظر تأمین نیروی کار ماهر، تخصصی هستند. افزایش تقاضا برای منابع نسبتاً غنی و کاهش تقاضا برای منابع نسبتاً کمیاب، درآمد مبدأ را افزایش و درآمد مقصد را کاهش خواهد داد.

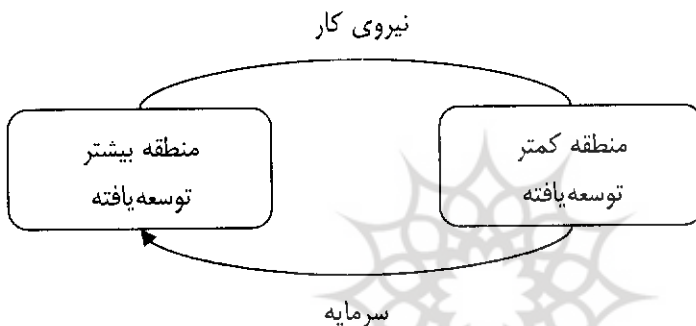
۲-۱-۵- مدل علیت دورانی و مضاعف

مدل علیت دورانی و مضاعف^۱ تفاوت قابل ملاحظه‌ای با مدل‌های نئوکلاسیک دارد. یکی از دلایل، آن است که مدل دورانی و مضاعف، مکانیزم‌های بازخورد مثبت/منفی را شناسایی و بر درون‌زایی عواملی همچون تأمین منابع که در مدل‌های نئوکلاسیک بصورت برون‌زاد در نظر گرفته می‌شد، تأکید می‌کند. بر اساس این مدل، توسعه جامع بستگی به وزن نسبی در نامتعادل‌سازی نیروهای مرکز‌گرایی جذب و مکش و یکسان‌سازی نیروهای گریز از مرکز انتشار دارد. یک مثال برای این مدل، مسیری است که جریان خالص سرمایه و نیروی کار، به‌سوی سرزمین‌های بیشتر

^۱ - Circular and Cumulative Causation (CCC)

توسعه‌یافته جریان پیدا می‌کند تا سرزمین‌های کمتر توسعه‌یافته (شکل شماره ۲) بنام مدل میردال^۱ یکی از اهداف در این مدل را بیان عدم توازن بین مناطق بیشتر توسعه یافته و کمتر توسعه‌یافته دانسته است.

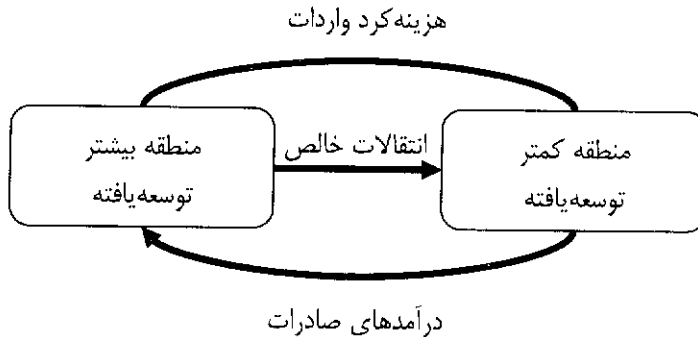
شکل شماره ۲: بیان عدم توازن بین مناطق بیشتر توسعه یافته و کمتر توسعه یافته توسط میردال



علاوه بر این، او بر اهمیت عوامل متداول در شکل‌دهی روندهای توسعه تأکید می‌نماید و برای دخالت سیاستی فعال جهت گسترش تعادل استدلال می‌کند که به نظر او موجب رشد اقتصادی بیشتر می‌شود. مثالی از این اقدامات دولتی، جریان خالص هزینه‌های دولتی است که بطور ویژه برای مقابله با اثرات نامتعادل‌کننده مکانیزم بازار بکار گرفته شده است. (شکل شماره ۳)

^۱ - Myrdal, Gunnar (1957) Economic theory and underdeveloped regions, Harper and Row

شکل شماره ۳: جریان‌های درآمد و عوامل و پویایی‌های منطقه‌ای



بخش دیگر از مدل‌های علیت دورانی مضاعف از کار کالدور^۱ که خود او هم از یانگ^۲ الهام گرفته بود، می‌باشد. این رویکرد از این عقیده نشأت گرفته که اقتصادهای مقیاس، ویژگی بنیادین حیات اقتصادی می‌باشد (که هنوز هم فرض می‌شود که در مدل نئوکلاسیک وجود ندارد). علی‌الخصوص کالدور استدلال می‌کند که رشد منطقه‌ای و ملی با پیشسازی صادرات می‌باشد. رشد صادرات بستگی به راندمان دستمزد (نسبت دستمزدهای واقعی و بهره‌وری) داشته و افزایش صادرات در کالاهای ساخته شده مستلزم افزایش خروجی می‌باشد. افزایش متعاقب خروجی، به عنوان یکی از پیامدهای اقتصاد مقیاس، اقتصادهای خارجی یا اثرات سرریزی و مکمل‌ها، موجب افزایش بهره‌وری می‌شود.

تأکید بر تقاضای صادرات نشان‌دهنده تفاوت اصلی مدل‌های علیت دورانی و مضاعف با مدل‌های رشد نئوکلاسیک، مبتنی بر تأمین منابع می‌باشد. این مدل‌ها بر گسترش خروجی بالقوه، در جنبه تأمین از اقتصاد تمرکز دارد و فرض می‌کند که تقاضای انبوه، خروجی بالقوه را متناسب خواهد کرد.

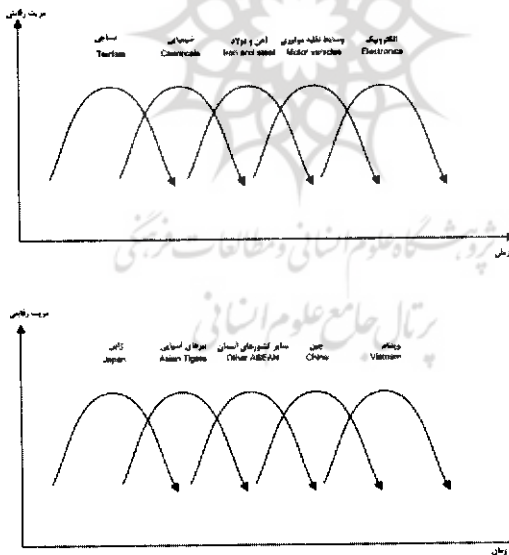
۳-۱-۵- مدل تئوری‌های مدرنیزاسیون، وابستگی و مبادلات نامتقارن

^۱ - Kaldor, Nicholas (1972) 'The irrelevance of equilibrium economics', Economic Journal, 82:1237-1255.

^۲ - Young, Allyn (1928) 'Increasing Returns and Economic Progress', The Economic Journal, 38(152): 527-42

تئوری‌های مدرنیزاسیون، از آنالیزهای توسعه منطقه‌ای، الهام گرفته است. این تئوری‌ها، پیدایش سبک‌ها و روش‌های اقتصادی و حیات اجتماعی و سازمان‌های اقتصادی و اجتماعی که در ابتدا در اروپا پدیدار و سپس به سایر بخش‌های جهان گسترش یافتند را مورد بررسی قرار داده‌اند. در افراطی‌ترین حالت، فرض شده که تمام ناحیه‌ها، جایگاه‌های متفاوتی را از مسیر توسعه یکسان اشغال کرده‌اند. مثالی در مورد دوره بعد از جنگ جهانی دوم، مشخص کردن مراحل رشد اقتصادی نئوآمریکا توسط روستو^۱ بود که شامل جامعه سنتی، پیش‌شرط‌های جهش، جهش، هدایت به سمت بلوغ و عصر مصرف انبوه بود. مثال‌های امروزی شامل مدل‌های نتولیبیرال از جهانی شدن و توسعه می‌باشد. تمام این روایات چنین بیان می‌کنند که نواحی کمتر توسعه‌یافته خود را در مراحل اولیه مسیر یگانه‌ای از توسعه‌یافتگی که در حال حاضر اقتصادهای توسعه‌یافته کاپیتالیسم در جهان ترسیم کرده‌اند، قرار دارند. یک گونه قدرتمند از تئوری مدرنیزاسیون در شرق آسیا، پارادایم قوهای پرنده می‌باشد (شکل ۴). این مدل بر این ایده تأکید دارد که برتری جوئی شرق آسیا، مستلزم پیدایش یک مرکز رشد غالب (یعنی ژاپن) که متعاقب آن به عنوان رهبر گروه سلسله‌مراتبی از دنباله‌روها ایفای نقش می‌کند، می‌باشد.

شکل شماره ۴: مدل قوهای پرنده



¹ - Rostow, W.W. (1960) The stages of economic growth: A non-Communist manifesto. Cambridge: Cambridge University Press

گروه دنباله‌روها در ردیف دوم شامل اقتصادهای بهره‌های آسیائی و ردیف سوم شامل مالزی، تایلند، اندونزی و سایر اعضای جامعه کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه‌آن)^۱ و در نهایت چین و ویتنام (اعضای آسه‌آن) می‌باشد. با رسیدن نسخه‌های پویا از تئوری تجارت، عقیده بر این است که اقتصادهای در حال ظهور در شرق آسیا، یکدیگر را به عنوان سکانس‌های انقلاب صنعتی تعقیب می‌کنند. اولین سکانس مربوط به سکانس چرخه تولید و متعاقب آن واردات کارخانه‌های مدرن، تولید ملی، صادرات و در نهایت واردات مجدد کالای صادر شده بود. سکانس دوم مربوط به سکانس صنعتی و شامل حرکت از فعالیت‌های با ارزش افزوده پائین به فعالیت‌های با ارزش افزوده بالا و توالی صنایع از تکنولوژی پائین به تکنولوژی بالا (نساجی، شیمیایی، آهن و فولاد، وسایل نقلیه موتوری و محصولات الکترونیک) بود و سکانس سوم ترجیح تعامل بین‌الملل در واردات و صادرات کالاها با تأکید بر انتقال محصولات و صنایع از کشورهایی که پیشرفته‌تر هستند به کشورهایی که جایگاه پائین‌تری را در این سلسله‌مراتب دارند؛ می‌باشد.

گونه دیگر، مدل دوگانه‌گرایی^۲ است. تئوری دوگانه‌گرایی که بطور مختص در مطالعات نواحی توسعه‌نیافته ظهور و بروز و گسترش یافته است، گونه‌ای از تئوری مدرنیزاسیون می‌باشد. این تئوری بر وجود تفاوت‌های آشکار در سازمان‌دهی، درجه توسعه و اهداف نقش‌آفرینان در بخش‌های مدرن و سنتی این نواحی تأکید دارد و یک پیشرفت گام‌به‌گام از پیشین با هزینه آتی را پیش‌بینی می‌کند. یک مثال کلاسیک از این تئوری مدل لیوایز^۳ بوده که متکی به این ایده می‌باشد که در کشاورزی سنتی/نواحی روستائی بیکاری پنهان وجود دارد بطوریکه با انتقال نیروی مازاد از بخش/ناحیه کشاورزی به بخش/ناحیه مدرن در نواحی توسعه‌یافته، خروجی بخش کشاورزی بدون تغییر باقی می‌ماند در حالیکه خروجی بخش مدرن افزایش پیدا می‌کند.

تعداد دیگری از مدل‌ها در کشورهای توسعه‌نیافته که در آنها چرخه‌های بدخیم^۴ توسعه‌نیافتگی وجود دارد، اعمال شده است. مثالی برای این موضوع، کمبود پس‌انداز است که منجر به کمبود سرمایه و کمبود سرمایه منجر به بهره‌وری پائین و بهره‌وری پائین منجر به کاهش درآمد واقعی و کاهش درآمد واقعی منجر به پس‌اندازهای ناکافی می‌شود.

مجموعه وسیعی از استراتژی‌ها با هدف شکستن این چرخه و سایر چرخه‌های بدخیم در جهت گسترش بخش مدرن در اقتصادهای توسعه‌نیافته طراحی شده است. اغلب این مدل‌ها،

1 - ASEAN

2 dualism

3 - Lewis

4 - Vicious Cycle

سرمایه‌گذاری را هدف خود قرار داده‌اند. مدل‌های رشد متوازن، در مورد سلسله‌هایی از سرمایه‌گذاری‌های مکمل در راستای ایجاد تقاضای بازار برای یکدیگر بحث می‌کند. مدل‌های رشد نامتوازن، تمرکز بر سرمایه‌گذاری در تعدادی پروژه کوچک را هدف خود قرار داده که ارتباط قبلی و بعدی این پروژه‌ها موجب ایجاد کمبود، تنگنا و فرصت برای سرمایه‌گذاری‌های سودمند بیشتر می‌شود. مدل‌های قطب رشد، یک‌گونه از استراتژی رشد نامتوازن می‌باشد که برای رویکرد برنامه‌ریزی توسعه، تنظیم شده است.

۴-۱-۵- مدل‌های توسعه درون‌زاد

تئوری‌های وابستگی منجر به تأکید بر سیاست حمایت از صنایع نوپا، جانشینی واردات و توسعه مرکزگرا شده است. این ایده موجب ایجاد تأکیدی کلی‌تر بر ارزش‌های نسبی توسعه خودمحور و کنترل‌شده محلی شده است. دو دسته از عوامل موجب این تأکید شده‌اند. اولین آنها اثرات بحران‌های اقتصادی دهه ۱۹۷۰ بر روی توسعه برون‌زاد یا سرمایه‌گذاری‌های با کنترل برونی در بسیاری از کشورهای توسعه‌نیافته بود. دومین آنها، موج تمرکززدائی تولیدات که موجب بحران سقوط هویت مناطق صنعتی (علی‌الخصوص در جنوب اروپا) می‌شود که پیشران‌های توسعه اقتصاد منطقه‌ای می‌باشند.

در بسیاری از حالات این حوزه‌ها از رشد صنعت تمرکز بر بنگاه‌های متوسط و کوچک با وابستگی متقابل در یک بخش و در صنایع و خدمات فرعی می‌باشد. این مناطق به عنوان برآیند دو مجموعه از عوامل، تفسیر می‌شوند. اولین آنها مجموعه عوامل اقتصادی هستند که شامل موارد زیر است:

- اقتصادهای مقیاس که منتج از درجه بالای تخصص‌گرایی و تقسیم‌بندی نیروی کار می‌باشند.
- اقتصادهای خارجی که ناشی از زیرساخت‌ها، خدمات و اطلاعات مشترک می‌باشند.
- موجود بودن مهارت‌های ویژه و انباشت نیروی کار

دومین آنها تعاملات بین سیستم اجتماعی و اقتصادی می‌باشد که موجب ایجاد یک فضای اجتماعی و جامعه‌ای از بنگاه‌ها و مردم می‌شود که نتیجه آن توسعه صنعتی می‌باشد که درها را بر روی مدل‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و بنیادهای سازمانی مدل‌های منطقه‌ای، شامل تحلیل نرم‌ها و ارزش‌های اجتماعی، ساختارهای سیاسی، پیوندگرایی، حکمرانی خوب، سنت‌ها، اعتماد، سرمایه اجتماعی و کارآفرینی می‌باشد.

این توسعه تئوریک با تغییرات در مدل‌های غالب در تفکر استراتژی توسعه منطقه‌ای مرتبط می‌باشد. از یک رو، استراتژی‌های خوداتکائی، رشد مرکزگرا و توسعه از پائین نسبت به گزینه توسعه از بالا، دارای اقبال بیشتری می‌باشد و از سوی دیگر موتورهای رشد اقتصاد منطقه‌ای در

کشورهای توسعه‌یافته توجه از مصرف‌کننده و بخش‌های کالای واسطه که ملاحظات غالب در رشد می‌باشند به سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و فن‌آوریها ارتباطات و اطلاعات و استفاده از دانش برای تولید کالاهای اطلاعاتی تغییر یافته است. تأکید کلی‌تر بر نوآوری و آموزش، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، انتشار دانش و نمایانگرهای اجتماعی، فرهنگی و نهادی آنها می‌باشد.

گام بعدی توسعه مدل‌های نئوکلاسیک جدید از رشد درون‌زاد می‌باشد. اگرچه این مدل‌ها مبتنی بر عرضه می‌باشند، اما پاره‌ای از نتیجه‌گیری‌ها مشابه مدل علیت دورانی و مضاعف مبتنی بر تقاضا می‌باشد و ارتباط اصولی با مدل‌های روهمر و لوکاس^۱ دارند.

۵-۱-۵- مدل‌های جغرافیای اقتصادی

تشریح توسعه منطقه‌ای متضمن تشریح تقسیم سرزمینی نیروی کار می‌باشد (چه انجام می‌دهند، کجا و چگونه، چه دستمزدی دریافت می‌کنند، و در این رابطه موقعیت آنها نسبت به سایر افراد و سایر فعالیت‌های اقتصادی و سایر مناطق چگونه است؟).

در تحلیل‌های جغرافیایی پیشین در مورد تقسیم سرزمینی نیروی کار، روی مدل‌های آرمانی از منظر اقتصادی^۲ تمرکز می‌شد. در دهه ۱۹۷۰ تأکید بر دسته‌بندی مفهومی نقش‌های کارکردی اقتصادهای منطقه‌ای در بخش‌های گسترده‌تر ملی و بین‌المللی از نیروی کار بود. در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، آرایه‌های متفاوتی از مدل‌های مفهومی برای ترسیم و متمایز کردن سیستم‌های جغرافیایی تولید، نشر ساختار آنها و محاسبه نسبی عملکرد اقتصادی آنها، توسعه و پیشرفت داده شد. دسته‌بندی‌های فضائی شامل: نواحی صنعتی، حوزه‌های تولیدات تخصصی، سیستم‌های محلی مولد کالا و خدمات، سیستم‌های صنعتی بومی‌شده، خوشه‌ها، فضاهای صنعتی جدید، قطب‌های تکنولوژی^۳ و پارک‌های علمی شامل بنگاه‌های نوآور، مراکز تحقیقاتی و دانشگاه‌ها، سیستم‌های نوآوری منطقه‌ای و مناطق آموزشی می‌باشند. برای تشریح این ساختارهای فضائی و تشریح اثر دوسویه آنها بر روی توسعه، سه گروه اصلی از مکانیزم‌های اصلی مورد بررسی قرار گرفته است:

- تأمین منابع

- سازمان صنعتی، استراتژی‌های صنعتی، برون‌گرایی و تبادل هزینه‌ها

- نوآوری، سیستم‌های نوآوری، دانش، خلاقیت و آموزش‌های فردی و جمعی

^۱ - Rohmer & Lucas

^۲ - Economic Landscape

^۳ - Technipoles

در نتیجه، تفسیر ایده‌ها با تئوری‌های تنظیم و کنترل، اقتصاد سازمانی و جامعه‌شناسی تکاملی ارتباط پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد این مکانیزم‌ها در سلسله‌هایی از شرایط تاریخی ویژه عمل می‌کنند و شامل مجموعه‌ای از مدل‌های توسعه تاریخی می‌باشند.

پیشرفت مهم دیگری که اخیراً اتفاق افتاده عبارتست از پیدایش اقتصاد جغرافیایی جدیدی که بدنبال تشریح پیدایش منظرهای اقتصادی (تراکم فضایی، تخصص‌گرایی منطقه‌ای و ساختارهای پیرامون مرکز^۱ تأمین منابع منطقه‌ای بوده و نقطه شروعی برای بسیاری از مدل‌های پیشین می‌باشد. بطور واضح این مدل‌های رقابتی منجر به شناسایی دو مجموعه از مکانیزم‌ها می‌شوند، از یک سو، مجموعه نیروهای گریز از مرکز می‌باشند که یکی از مهمترین آنها انتقال دانش فنی و

هدایت دولتی	مبتنی بر بازار	سناریو فراملی‌گرایی ملی‌گرایی -
همکاری چندسویه بسوی توسعه اتحاد پروژه‌های کلان mega-project در امور انرژی و حمل و نقل و جابجایی محدود نیروی کار	همکاری چندجانبه بسوی جامعه اقتصادی همکاریهای فرامرزی از طریق محرک آزاد سرمایه و نیروی کار	فراملی‌گرایی
همکاری دوجانبه مناطق ویژه و همکاری محدود مرزی	تعدد مناطق آزاد تجاری FTA دوجانبه محرک فرامرزی سرمایه همکاری مرزی محدود	ملی‌گرایی

Bae Kim, Won, Four Models of Regional Development, The Northeast Asia Economic Forum (NEAEF), <http://www.neaef.org>, September, 2004

منبع:

سازمانی به سرزمین‌های کمتر توسعه‌یافته می‌باشد. از سوی دیگر، مجموعه‌ای از نیروهای مرکزگرا وجود دارند که بعضی از آنها به این دلیل بوجود آمده‌اند که سرزمین‌هایی که توسعه یافته‌اند منابع

^۱ - Core-periphery

جدیدی از مزیت رقابتی ایجاد می‌کنند بویژه در مورد سرمایه‌گذاری بیشتر در دانش و مهارت. گروه دیگری از مدلها که در این مقاله بطور خلاصه بیان شد مکانیزم‌های متعادل‌سازی و نامتعادل‌سازی بود. در هر نقطه زمانی، عملکرد نسبی اقتصادهای منطقه‌ای دیگر، بستگی به وزن نسبی این دو مجموعه از نیروها دارد.

۵-۲- سناریوهای همکاری و توسعه منطقه‌ای

اگرچه می‌توان سناریوهای مختلفی را برای توسعه منطقه‌ای در جهان متصور بود اما دو سناریوی "توسعه رقابتی مبتنی بر بازار" و "همکاری و توسعه منطقه‌ای با هدایت دولت‌ها" می‌توانند از احتمال اجرای بیشتری برخوردار باشند و رویکرد واقع‌گرایانه‌تری در مناطق مختلف جهان بحساب می‌آیند.

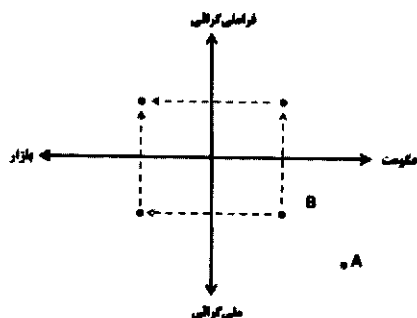
متغیرهای قطعیت‌ساز و عدم قطعیت در محیط منطقه‌ای و جهانی، درجه فراملی‌گرایی در کشورها می‌باشد و همینطور چگونگی نقش‌آفرینی ملی‌گرایی درون‌کشوری در آینده فوق‌العاده نامعلوم می‌باشد. ترکیب این متغیرها، ماتریس ذیل را بدست می‌دهد.

تفاوت اصلی بین توسعه مبتنی بر بازار و توسعه مدیریت شده تحت هدایت دولت به میزان دخالت دولت در بازار ارتباط دارد.

جدول شماره ۳: سناریوهای توسعه منطقه‌ای

با توجه به شکل شماره ۵، کشورهای منطقه در طول سالیان گذشته از نقطه آ به نقطه آ رسیده‌اند و مشخص نیست که منطقه چه مسیری را در ۲۰ یا ۳۰ سال آینده طی کند.

شکل شماره ۵: مسیرهای توسعه منطقه‌ای



دورنماها، با تأکیدات متفاوت جغرافیایی موجب علایق و تمایلات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک متفاوت در هر کدام از کشورهای منطقه می‌شود. تطبیق این تمایلات متفاوت ژئواکونومیک، اولین وظیفه مدل هدایت دولتی می‌باشد.

۱-۲-۵- توسعه رقابتی با محوریت بازار

در مبحث تقاضا، کلانشهرها نقشی پیشتاز بازی می‌کنند و بنابراین این نقش به شکل‌گیری مدل کریدور^۱ جهت برقراری پیوند بین کلانشهرها کمک می‌کند. رشد رقابت‌آمیز، عامل اصلی توسعه منطقه‌ای خواهد بود. تجارت آزاد و سایر انواع همکاری اقتصادی مبتنی بر میانی تفکر نئولیبرال‌ها می‌باشد.

برای مثال می‌توان از کریدور پکن، سئول، توکیو در شمال شرق آسیا نام برد (پکن، سئول، توکیو می‌تواند از طریق شانگهای به کریدور سواحل داخل چین از پکن تا هنگ‌کنگ متصل شود. کریدورهای کوچکتری هم مثل دالیان - هاربین یا گینگادائو - جینان می‌توانند به این کریدور کمربندی‌شکل متصل شوند).

روند جهت‌گیری مرکز ثقل نیروی اقتصادی بسوی موقعیت‌های ساحلی ادامه خواهد داشت. فشار بازار موجب خواهد شد که کشورهای منطقه در موافقت‌نامه تجارت آزاد^۲ مشارکت کنند. به عنوان نمونه در مثال فوق‌الذکر موافقت‌نامه تجارت آزاد مابین چین، ژاپن و کره از شکل کریدور پیروی خواهد کرد. البته شهرها و مناطق خارج از این کریدور نیز تحت تأثیر قرار خواهند گرفت و از اینرو ناهمسانی منطقه‌ای افزایش خواهد یافت. مدل کریدور، تحت عنوان تجارت آزاد و رقابت بدون قاعده، ترسیم می‌شود. در این مدل، حمل و نقل دریایی و هوایی، اهمیتی بیشتر از حمل و نقل زمینی پیدا خواهند کرد. علاوه بر این تجارت الکترونیک و ارتباطات الکترونیک بعد فضایی دیگری را در کشورهای منطقه ایجاد خواهد کرد.

اگر شکل‌گیری مدل توسعه کریدور بواسطه افزایش ملی‌گرایی متوقف شود، در آنصورت احتمالاً مدل منطقه تأثیر دوشاخه^۳، قابلیت انطباق با محورهای توسعه ملی را پیدا می‌کند. در این مدل اصول تجارت آزاد، رعایت می‌شود اما همگرایی اقتصادی به اندازه‌ای گسترش نمی‌یابد که امکان رقابت آزاد را مهیا کند. توسعه منطقه‌ای ماورای مرزها به سوی دو منطقه نفوذ مجزا گرایش پیدا می‌کند. این حالت در مثال فوق‌الذکر شامل یک اقتصاد در حال صعود یعنی چین (یک قدرت

^۱ Corridor model

^۲ - Free trade agreement (FTA)

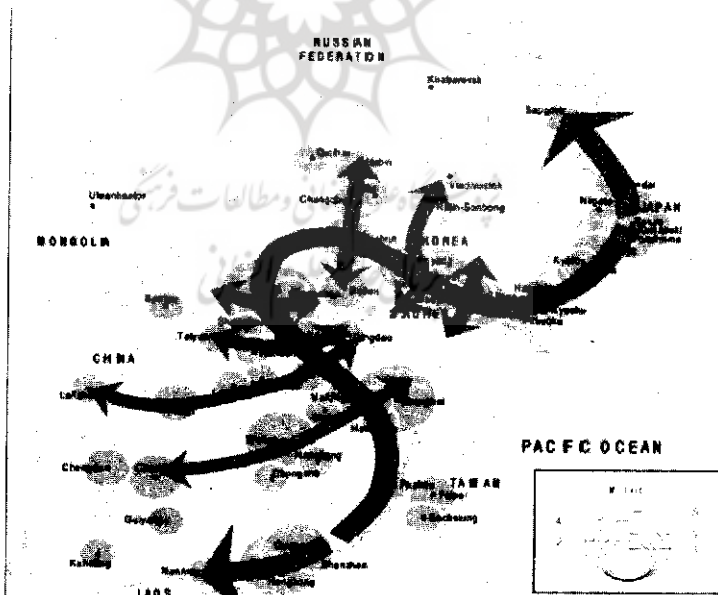
^۳ Bifurcated influence zone model

اقتصادی منطقه‌ای) و دیگری توسط قدرت اقتصادی ژاپن (قدرت دیرپای منطقه‌ای) که دو قطب پیشیناز با ویژگی‌های خاص خود در زمینه اقتصادی منطقه‌ای و جهانی می‌باشند.

۱-۱-۲-۵- مدل کریدور

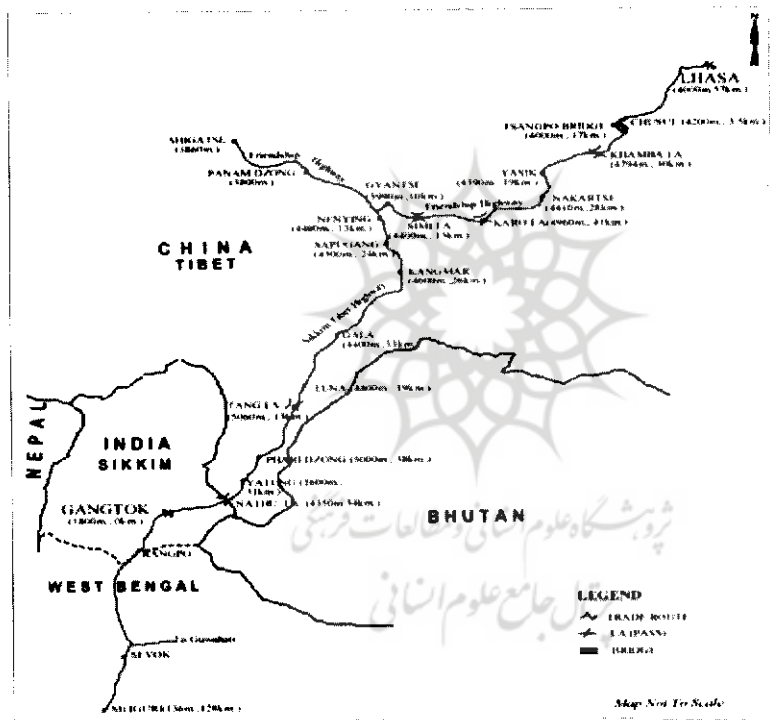
در این مدل یک مسیر ارتباطی بین مناطق و مراکز شهری هر یک از کشورها در قلمرو جغرافیای منطقه ایجاد می‌گردد. وجود تراکامات شهری، نقش اساسی را در شکل‌دهی این مدل بازی می‌کند. ارتباطات دریایی، هوایی بین کلانشهرهای اصلی و مبادلات مرزی و روشهای حمل‌ونقل مبتنی بر سرزمین و جغرافیا نقش بسیار مهمی در این مدل دارند. به عنوان مثال توکیو، سنول، پکن، هنگ کنگ و شاید شانگهای، یک کانون منطقه‌ای از حمل‌ونقل هوایی را در منطقه شمال شرق آسیا بوجود آورده‌اند (شکل شماره ۶).

شکل شماره ۶: نمونه مدل کریدور در شمال شرق آسیا



به عنوان مثالی دیگر می‌توان به مسیر تجاری گانتوک - لهاسا^۱ بین چین و هندوستان اشاره نمود. (شکل شماره ۷).

شکل شماره ۷: مسیر تجاری گانتوک - لهاسا



منبع: Lama, Mahendra P, Sikkim-Tibet Trade via Nathu la

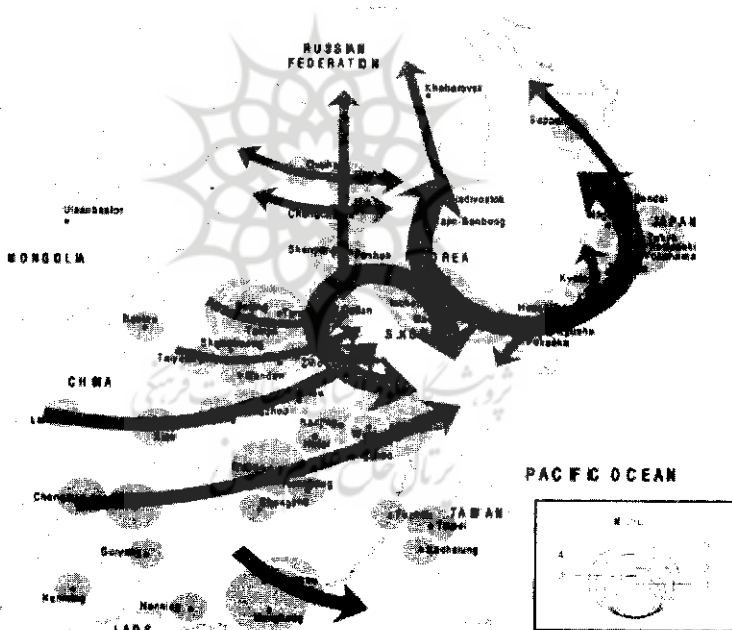
۱-۲-۵ مدل منطقه تأثیر دوشاخه

این مدل با اتصال دوسویه طراحی می‌گردد. زیرا کلان‌شهرهای اصلی تأثیری واقعی در شکل‌گیری دورنمای توسعه اعمال خواهند نمود. همچنین شهرهای بندری کوچک که نقاط

^۱ Gangtok-Lhasa

استراتژیک را اشغال نموده‌اند، نقش مهمی را در تعاملات بین مرزی خواهند داشت. همچنان که ارتباطات هوایی و دریایی مشترک، نقش غالب را در مبادلات فرامرزی بازی خواهد نمود. شکل شماره (۸) نمونه‌ای از مدل منطقه تأثیر دوشاخه می‌باشد.

شکل شماره ۸: نمونه‌ای از مدل منطقه تأثیر دوشاخه



۲-۲-۵ توسعه همکاری منطقه‌ای با مدیریت و هدایت دولتی (تمرکزگرا)

دولت نیازهای تأمین سرمایه به عنوان مکمل اقتصادی در کشورهای منطقه را شناسایی می‌کند. این فرآیند در بین کشورهای دارای منابع ضعیف و کشورهای دارای منابع قوی بصورت ویژه

شکل می‌گیرد که در قالب مدل شبکه‌ای^۱ نحوه همکاری بین دولت‌ها برای بهره‌مندی از مزیت‌های سایر کشورها در منطقه را فراهم می‌آورد. این مدل بخصوص در نواحی عقب مانده نقش و اهمیت بیشتری دارد.

مدل شبکه‌ای بر اساس ارتباط پروژه‌های زیرساختی کلان در منطقه امکان‌پذیر می‌باشد. به عنوان نمونه در مثال فوق‌الذکر، سیبری و روسیه شرق دور بدلیل دو دارایی استراتژیک یعنی منابع انرژی و راه‌آهن ماورای سیبری، نقش مهمی را در مدل شبکه‌ای منطقه شمال شرق آسیا بازی می‌کند.

مدل شبکه‌ای بیان‌کننده همکاری‌های بین کشوری در جهت هم‌افزایی منافع کل کشورهای منطقه خصوصاً در مناطق عقب‌مانده می‌باشد. بطور بدیهی، در این مدل رقابت آزاد تحت قاعده درآمده و تلاش‌های بیشتری بسوی ایجاد یک "اتحادیه توسعه"^۲ (می‌تواند متفاوت از اتحادیه اقتصادی باشد که از اصول رقابت آزاد پیروی می‌کند) صورت می‌گیرد.

این مدل نیازمند دو عامل برای احداث پروژه‌های زیرساختی کلان بین کشورهای مختلف منطقه و امتداد آن در دل هر یک از آنها می‌باشد که تأمین منابع و سازماندهی چندسویه مشارکتی را در منطقه از طریق مذاکره بین ذینفعان و نقش‌آفرینان در سطح بین‌الملل، منطقه‌ای و ملی بوجود می‌آورد. خصوصاً آنکه نهادهای تأمین مالی بویژه بانک توسعه سرمایه‌گذاری برای تأمین سرمایه مورد نیاز با مشارکت همه و یا گروه‌های پیشتاز دولتی و یا خصوصی-دولتی ایجاد می‌شوند.

مدل شبکه‌ای متصل از آن لحاظ دارای اهمیت است که نقشی بارز و برجسته در توسعه منطقه‌ای بویژه بخش‌های کمتر توسعه‌یافته آن دارد. انتخاب مدل‌های توسعه مبتنی بر ارتباط و پیوند زیرساخت‌های کشورها به یکدیگر با توجه به منافع ملی هر یک از کشورها در قلمرو جغرافیایی منطقه، متفاوت می‌باشد و با توجه به سیاست‌ها، روش‌ها، و شیوه‌های انتخاب شده هر یک از بازیگران ملی و میزان نقش‌آفرینی آنها می‌تواند اشکال مختلف داشته باشد.

آنچه مهم تلقی می‌گردد و یک الزام راهبردی برای موفقیت مدل شبکه‌ای متصل محسوب می‌شود، رعایت ویژگی‌ها، ملاحظات و قوانین هر یک از کشورها و نحوه بهره‌مندی آنها از مزیت‌های هم‌افزایی بین کشورها بصورت توزیع عادلانه و منصفانه دستاوردها می‌باشد.

یکی از آسیب‌پذیری‌های این نوع مدل همکاری و توسعه منطقه‌ای، در آن است که بعضی از کشورها با اعمال تنگ‌نظری و با تأکید بر ارجح داشتن منافع ملی بر منافع مشترک موجب انفعال و گسستگی در شبکه "همکاریها و هم‌افزایی" بین منابع طبیعی و زیرساخت‌های فیزیکی می‌گردند. به عنوان مثال جاه‌طلبی روسیه جهت اعمال بازی قدرت متکی بر بهره‌گیری از نیاز دیگر

^۱ - Grid model

^۲ development community

بازیگران موجب گردیده تا چین و ژاپن در رقابت برای تأمین امنیت انرژی از کشور روسیه به منافع ملی تکیه کنند و پیوند بین منابع انرژی و راه‌آهن که می‌توانست مکمل منافع یکدیگر باشد به رقابت و ایجاد شکاف در همکاری و توجه به ملی‌گرایی روی آورند، که در این شرایط مدل شبکه‌ای متصل به مدل شبکه‌ای منفصل^۱ تغییر می‌یابد.

به هر حال، در مقایسه مدل‌های مبتنی بر هدایت و مدیریت دولت‌ها با مدل‌های مبتنی بر محوریت مکانیزم بازار می‌توان چنین استنباط نمود که بازیگران و نقش‌آفرینان در هر یک از انواع مدلها و اصول، روشها و راهبردهای آنها، کاملاً متفاوت و متمایز می‌باشد و انتخاب هر نوع از مدل همکاری توسعه بر اساس منافع ملی، ویژگی‌های ژئوپلیتیک، موقعیت جغرافیای طبیعی و اقتصادی کشورها انتخاب می‌شود و همواره در طراحی مدل‌های همکاری توسعه منطقه‌ای، قدرت اثرگذاری هژمون‌های جهانی در حوزه ژئوپلیتیک و تحولات آنها را باید محاسبه نمود.

۱-۲-۲-۵- مدل شبکه‌ای

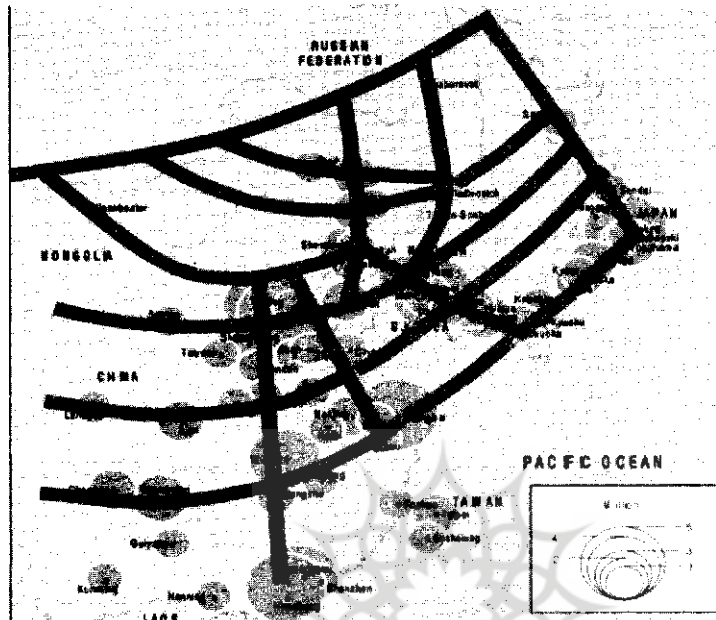
راه‌آهن یکی از موارد مهم مدل شبکه‌ای می‌باشد. خطوط گاز طبیعی و نفت و همچنین شبکه‌های برق و حمل و نقل کالا از دیگر موارد مهم می‌باشند. همگرایی را می‌توان ترکیبی از هزینه پائین با بهره‌وری بالاتر شکل داد. وجود شبکه راه‌آهن، سکوی^۲ اصلی برای تأمین تأسیسات زیربنایی یکپارچه خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ Disjointed grid model

^۲ platform

شکل شماره ۹: نمونه‌ای از مدل شبکه‌ای متصل



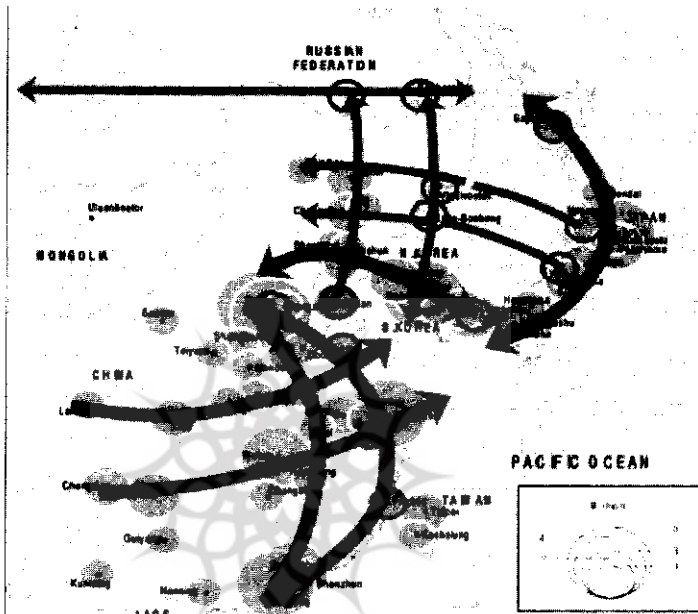
جغرافیای منابع در کشورهای منطقه و توسعه صنعتی آنها، می‌تواند بواسطه تأمین کالاهای عمومی بین‌المللی خصوصاً در بخش‌های سرزمینی منطقه، تغییر شکل اساسی پیدا کند. خاطر نشان کردن این مثال لازم می‌باشد که در همگرایی عمیق سیاسی و اقتصادی در اتحادیه اروپا، شبکه راه‌آهن بین کشورهای اروپایی، بسیار مورد تأکید قرار گرفت. اگر مدل شبکه‌ای با مؤلفه راه‌آهن سریع‌السریر درآمیخته شود، این امر می‌تواند موجب گشایش راهی بسوی توسعه مدل کریدور در آینده دور شود. شکل شماره (۹) نمونه‌ای از مدل شبکه‌ای متصل در شرق آسیا می‌باشد.

۲-۲-۲-۵ مدل شبکه‌ای منفصل

در مدل شبکه‌ای منفصل درجه همگرایی در سیستم فیزیکی می‌تواند موجب کاهش هزینه در تأمین کالا از سیستم بین‌المللی شود و گستره جغرافیایی بواسطه علایق ملی، کوتاه شود. در این مدل، منظر جغرافیایی ارزشی کمتری نسبت به مدل شبکه‌ای متصل دارد. این مدل نمی‌تواند همانند مدل شبکه‌ای متصل مزیت‌های زیادی را برای مناطق کمتر توسعه‌یافته سرزمینی به ارمغان بیاورد. با این وجود راه‌آهن می‌تواند نقش مهمی را در این مدل داشته باشد که البته بدون ارتباطات

دریایی، عملکرد کارآمدی نخواهد داشت. اهمیت نسبی راههای جاده‌ای در این مدل افزایش خواهد یافت. شکل شماره (۱۰) نمونه‌ای از مدل شبکه‌ای منفصل را نمایش می‌دهد.

شکل شماره (۱۰): نمونه‌ای از مدل شبکه‌ای منفصل



پیشنهاد‌های تکمیلی برای توسعه منطقه‌ای مبتنی بر همکاری

آثار و پیامدهای بدست آمده هر یک از مدل‌های پیشنهادی، می‌تواند در اولویت مؤسسات تحقیقاتی کشورهای عضو هر یک از مناطق قرار گیرد. همچنانکه هزینه فایده اقتصادی و سیاسی مدل‌های توسعه منطقه‌ای نیز دارای اولویت و اهمیت می‌باشد. در مرحله بعد طراحی چشم‌انداز مشترک توسعه منطقه‌ای توأم با همکاری از طریق نظرسنجی‌های عمومی و بحث‌های سازماندهی شده توسط مؤسسات تحقیقاتی غیردولتی در کشورهای عضو سازمان‌های همکاری منطقه‌ای نیز می‌تواند سطح همکاریها را ارتقاء دهد. موضوع دیگر روش‌های تأمین سرمایه توأم با همکاری کشورها می‌باشد که نقش برجسته‌ای در توسعه مناطق و تأمین منابع کمیاب بویژه در مناطق در حال توسعه جهان خواهد داشت. حمایت دولت‌ها از استراتژی همکاری مبتنی بر بازار و توسعه منطقه‌سازی و منطقه‌گرایی و سیاست‌گذاری مؤثر آنان و تقویت همکاریها از جایگاه مهمی برخوردار است.

۶- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از تعاریف مختلف و ارزیابی مدل‌های گوناگونی که به آنها اشاره شد این سؤال مطرح می‌شود که الگوی مناسب همکاری منطقه‌ای ایران با کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟ به نظر می‌رسد در رویکرد جدید به منطقه‌گرایی، مدل‌های صرفاً اقتصادی و یا اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و سیاسی نمی‌توانند نیازهای کشورهای را در منطقه‌گرایی تأمین کنند؛ بلکه در پارادایم جدید به الگوهای چندبعدی و چندوجهی بیشتر توجه می‌گردد. بر همین اساس روابط منطقه با رویکردهای مدیریت تحول و از ابعاد چهارگانه زیر باید مورد مطالعه قرار گیرد.

الف - بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر، تحولات ژئوپلیتیکی مختلفی در جهان و منطقه آسیای جنوب غربی رخ داده است. مدل ایجاد هژمونی از راه موازنه منطقه‌ای رقیبان بهم‌خورده و پیوستگی سیستم‌های کشورهای آسیای میانه و قفقاز با ابرسیستم شوروی سابق (روسیه امروزی) نیز منفصل گردیده است.^۱

ب - تحولات ژئواکونومیک^۲ جهانی و نقش برجسته‌ای که ژئوانرژی در رشد و توسعه اقتصاد و امنیت اجتماعی جهان ایفا می‌نماید و جایگاه ویژه اکثر کشورهای منطقه از شمال ایران در آسیای میانه و قفقاز گرفته تا جنوب ایران که کشورهای نفت‌خیز عربی حاشیه خلیج فارس را شامل می‌شود باید از عوامل مؤثر بررسی رویکرد منطقه‌گرایی کشور باشد. اگرچه استراتژی روابط همپایی و همسویی غرب که یکی از چالش‌های آینده تحولات ژئواکونومیک و منطقه‌گرایی می‌باشد را نباید نادیده گرفت. بر اساس مطالعات و برآوردهای مؤسسات جهانی انرژی، ایران در مرکز بیضی استراتژیک هیدروکربوری جهان قرار دارد که در آن ۶۸٪ منابع و ذخایر جهانی در آن وجود دارد. اکتشاف میادین جدید گاز بویژه در آبهای سرزمینی بین کشورها، اولویت ویژه‌ای به همگرایی اقتصادی منطقه‌ای داده است. تجارت، تبادل و تعامل بین جوامع و کشورها و اتصالات شبکه‌های زیرساختی (فناوری اطلاعات و ارتباطات) و زیربنای فیزیکی و جاده‌ها، خطوط برق و مخابرات، شبکه ریلی و اسکله‌ها و بنادر می‌توانند از زمینه‌های دیگر همکاری تلقی شود.

^۱ - شجاع، مرتضی، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۲۱، شماره یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور ۱۳۸۶.

^۲ - مجتهدزاده، پیروز، "جغرافیا و سیاست در دنیای واقعیت‌ها"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال دوازدهم، شماره اول و دوم، مهر و آبان ۱۳۷۶، ص ۸۸

ج - مباحث مربوط به جغرافیای فرهنگی^۱ در بین کشورهای مختلف منطقه بویژه در حوزه تمدنی اسلام و ایران از جنوبی‌ترین کشورهای همسایه تا شمالی‌ترین کشورها که ویژگی اسلام در همه آنها مشترک و ویژگی ایرانییت در فلات ایران وجود داشته، می‌تواند از عوامل بسیار مؤثر عرصه منطقه‌گرایی باشد؛ اگرچه به تفاوت‌های قومی، فرقه‌ای و مذهبی در منطقه نیز باید توجه شود. البته توانایی معرفتی و جغرافیای ذهنی مشترک در منطقه‌گرایی اجتماعی در بین جوامعی که برای آگاهی‌های منطقه‌ای^۲، هویت منطقه‌ای^۳ و احساسات منطقه‌ای^۴ که در قالب مناطق معرفتی^۵ از آن یاد می‌شود به عنوان جوامع قابل‌تصور که در نقشه‌های ذهنی، خطوط آنها تا اندازه‌ای ترسیم شده‌اند، یکی از مواردی است که در رویکرد منطقه‌گرایی باید از محورهای مورد توجه باشد.^۶ بنابراین تکیه بر هویت مشترک منطقه‌ای، تبدیل به سیاست منطقه‌گرایی شده است؛ زیرا این هویت علی‌رغم همه اختلاف‌ها، همچنان مناسب‌ترین اتصال‌دهنده بین اجزاء و جوامع مختلف بوده و موجب انسجام و همگرایی می‌شود.

د - بعد دیگری که در منطقه‌گرایی می‌تواند مورد توجه فرهیختگان و دانشمندان کشورهای منطقه قرار گیرد، ویژگی مشترک همه این جوامع که همان شکاف علم و فن‌آوری این کشورها با جهان پیشرفته و توسعه‌یافته است، می‌باشد.

اکثریت قریب به اتفاق کشورهای منطقه از اقتباس‌کنندگان و یا مصرف‌کنندگان علم و فن‌آوری جهانی هستند که می‌توانند با تشکیل سازمان‌ها، نهادها، مؤسسات، شبکه‌های دولتی و غیردولتی در حوزه کسب و انتقال دانش بر این عقب‌ماندگی و رفع آن تأکید نموده و همکاری مشترک داشته باشند. بنابراین با وجود آنکه اکثر این کشورها از جمعیت جوان برخوردارند و مزیت‌های انسانی و جغرافیایی و بویژه‌ای دارند همچنان با چالش‌های توسعه‌نیافتگی مدنی، اجتماعی و فرهنگی نیز مواجه می‌باشند که رفع این چالش‌ها بهره‌گیری مناسب از روابط اقتصادی، سیاسی، علمی، فرهنگی و اجتماعی آنان است. بر همین اساس و در نظر گرفتن چهار جریان تحول در زمینه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچر و ژئوتکنولوژیک و تأثیر متقابل آنها بر یکدیگر با رویکرد ژئواستراتژیک می‌تواند منطقه‌ای توسعه‌یافته و تأثیرگذار در جهان را ساماندهی نماید. بدیهی است که شروع آن باید از زمینه‌های مشترک فکری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و علمی آغاز گردد و این گفت‌وگو شکل بگیرد که اعتماد و بازنگری روابط و رفع تنش‌ها می‌تواند زمینه‌ساز الگوی همکاری منطقه‌ای باشد

^۱ - Geo-culture

^۲ - Regional Awareness

^۳ - Regional Identity

^۴ - Regional Consciousness

^۵ - Cognitive Regions

^۶ - بیگزاده، جروه درس حقوق بین‌الملل عمومی (۱)، ص ۵۵.

که این الگوها در زیرسیستم شبه‌قاره عربستان (با مرکزیت ریاض)، کشورهای همسایه شبه‌قاره هند با مرکزیت پاکستان و کشورهای قفقاز با مرکزیت گرجستان و کشورهای آسیای میانه با مرکزیت تاجیکستان و قزاقستان و در بین همه این زیرسیستم‌ها، زیرسیستم ایران و همسایگان ترکیه و سوریه با مرکزیت تهران - آنکارا می‌تواند شبکه‌ای از همکاری‌های استراتژیک در چهار محور مورد اشاره را بوجود آورد (شکل شماره ۱۱).

شکل شماره ۱۱: الگوی همکاری چندبعدی برای ایجاد موج مشترک توسعه

منطقه‌ای مبتنی بر سند چشم‌انداز ۱۴۰۴



این مدل شبکه‌ای چندبعدی با مرکزیت فلات ایران و اتصال و پیوند چهار زیرسیستم فوق‌الاشاره می‌تواند با رویکرد ترکیبی در قالب الگوی پیشتاز همکاری مشترک منطقه‌ای موجی سراسری در توسعه همکاری‌ها ایجاد نماید و تمامی جوامع ساکن در کشورهای منطقه بر اساس پیوندهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ارتباط زیربناها، زیرساخت‌ها، بازارها و تجارت و ترانزیت و ... همکاری نمایند. همچنین در جهت تعمیق این الگو محورهای زیر برای مطالعه آینده پیشنهاد می‌گردد:

الف - مطالعه و ارزیابی عوامل محیطی (قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدات) و جریان‌های مؤثر در هر یک از زیرسیستم‌ها بمنظور دستیابی به حوزه‌های مشترک می‌تواند اولویت‌های همکاری آینده را تعیین نماید.

ب - ارزش‌های مشترک که ذهنیت معرفتی و فرهنگی جوامع ساکن در کشورهای منطقه را تشکیل می‌دهند؛ باید با روشی دقیق و علمی شناخته شود و چالش‌ها و موانع همگرایی فکری و ذهنی ارزیابی گردد و در توسعه همکاری‌های بویژه فرهنگی مورد توجه قرار گیرد.

ج - مطالعه طرح‌های مشترک تولیدی و صنعتی و ارتباط شبکه‌های زیربنایی و فیزیکی (شبکه‌های برق، نفت، گاز، آب، جاده و ریل آهن و خطوط فیبر نوری و ارتباطات ماهواره‌ای و رسانه‌ای) در اولویت دستور کار دولت‌های منطقه قرار گیرد.

د - مطالعه و پژوهش در زمینه ترانزیت، تجارت، صنعتی شدن و اقتصاد، چگونگی آزادسازی فعالیت‌ها و رفع موانع قانونی، بازرگانی، تعرفه‌ای و گمرکی و ... برای شکل‌دهی به بازار یکپارچه منطقه توسط ذینفعان غیردولتی در تنظیم روابط خارجی اقتصادی و سیاسی دوجانبه و چندجانبه می‌تواند در اولویت قرار داده شود.

ه - تشکیل نهادهای بیمه‌ای، تجاری و شرکت‌های صنعتی، اقتصادی و مراکز مطالعاتی و علمی و فنی، آموزش مشترک فرهیختگان جوامع منطقه با حمایت دولت‌ها از دیگر اولویت‌های الگوی پیشنهاد همکاری منطقه‌ای می‌باشد.

در پایان این رویکرد مهم که ناشی از نیات استراتژیک رهبری معظم نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و جامعه فرهیخته و ملت مؤمن و موحد کشورمان می‌باشد، باید در هر مطالعه، طراحی و اقدام مشترک بین کشورهای منطقه مورد توجه قرار گیرد که ایران می‌خواهد پیشنهاد همکاری در ایجاد موج توسعه منطقه‌ای با مسئولیت مشترک همه دولت‌ها و جوامع بر اساس حداکثرسازی منافع مشترک در چارچوب همکاری درون منطقه‌ای و رقابت جهانی بوده و از نظر شاخص‌های توسعه، درصد دستیابی کشور و منطقه به جایگاه مناسب در سطح کشورهای پیشرفته جهان برسد.

فهرست منابع و مآخذ:

- Decoster , J(2003) . Meta – Analysis Notes . ([http : //WWW . -1
stat – help . com](http://WWW.stat-help.com))
- Streiner , D.L (2003) Meta - analysis : A 12 – step program . (-2
[http :// WWW. Eamh . net](http://WWW.Eamh.net))
- Mansfield, Edward D and Helen V Miner, *The Political -3
Economy of Regionalism*,
Columbia University Press, New York, 1997.
- Maurice Schiff and L Alan Winters , *Regional Integration and -4
Development*, World Bank and Oxford, Washington,2003
- Miroslav N Jovanovic, *International Economic Integration -5
:Limits and Prospects*,Routledge, London, 1998
- El-Agraa, Ali M., *Regional Integration : Experience, Theory -6
and Measurement*,
Macmillan, London 1999
- Mansfield, Edward D and Helen V Miner , *The Political -7
Economy of Regionalism*,
Columbia University Press, New York, 1997
- Oman, Charles, *Globalisation and Regionalisation : The -8
Challenge for eveloping Countries*, Development Centre Studies,
OECD, 1994, p 15
- Vaitsos C.V. “Crisis in Regional Economic Cooperation -9
among Developing
Countries”, *World Development*, vol.6, June 1978. Also see, Jeffrey
A Frankel, *Regional Trading Blocs in the World Economic System*,

Institute for International Economics, Washington, 1997; Stefan A Schirm, *Globalisation and the New Regionalism*, Polity, Cambridge 2002

Mittelman, James H, "Rethinking the New Regionalism in -10
the Context of
Globalisation" in Bjorn Hettne et al, *Globalism and the New
Regionalism*, UNU/WIDER Study, Macmillan, London, 1999, p 27

Hettne, Bjorn, "Globalisation and the New Regionalism : The -11
second Great
Transformation", in Bjorn Hettne et al, *Globalism and the New
Regionalism*,
UNU/WIDER Study, Macmillan, London, 1999, pp 7-11

Hettne, Bjorn, "The New Regionalism : Implications for -12
Development of Peace" in
Bjorn Hettne and Andras Inotai (ed), *Comparing Regionalism :
Implications for Global Development and International Security*, A
UNU/WIDER Study, Helsinki, 1994.

Michael Schultz et al in Bjorn Hettne and Andras Inotai (ed), -13
*Comparing Regionalism: Implications for Global Development and
International Security*,
A UNU/WIDER Study, Helsinki, 1994. pp 254-255.

Dunford, Michael, Regional development models, *School of -14
Social Sciences and Cultural Studies, University of Sussex, Falmer,
Brighton*

Frank, Andre Gunder (1971) Capitalism and -15
underdevelopment in Latin America. Historical studies of Chile
and Brazil. Harmondsworth: Penguin Books.

Hadjimichalis. Costis (2006) 'Non-economic factors in -16
economic geography and in new regionalism: A sympathetic

- critique. *International Journal of Urban and Regional Research* 30: 690-704.
- Hirschman, Albert O. (1958) *The strategy of economic development*. New Haven: Yale University Press. -17
- Myrdal, Gunnar (1957) *Economic theory and underdeveloped regions*, Harper and Row. -18
- Perrons, Diane (2004) *Globalization and social change - people and places in a divided world*. London: Routledge -19
- Roberts, Mark and Setterfield, Mark (2005) 'What is endogenous growth theory?', mimeo -20
- Rostow, W.W. (1960) *The stages of economic growth: A non-Communist manifesto*. Cambridge: Cambridge University Press. -21
- Seers, Dudley (1969) *The meaning of development*. *International Development Review* 11(4):3-4. -22
- Solow, Robert (1956) 'A contribution to the theory of economic growth', *Quarterly Journal of Economics* 70 (February): 65-94. -23
- Young, Allyn (1928) 'Increasing Returns and Economic Progress', *The Economic Journal*, 38 (152): 527-42. -24
- Bae KIM, Won, *MODELS OF REGIONAL DEVELOPMENT IN NORTHEAST ASIA*, *Korea Research Institute for Human Settlements(KRIHS)* -25
- Bae Kim, Won, *Four Models of Regional Development*, The Northeast Asia Economic Forum (NEAEF), <http://www.neaef.org>, September, 2004 -26

P Lama, Mahendra, SAARC, Dynamics of Emerging New Regionalism, Centre for South, Central, South East Asia and South West Pacific Studies, School of International Studies, Jawaharlal Nehru University, New Delhi -27

Scholte, J.A, The International relations of Social Change, -28
Buckingham , open university press, 1993

Shaw, M. Global society and Global responsibility : the theoretical, historical and political limits of international Society. -29
Millennium, 21 , 1992

Speigel. L. Steven and Cantori. G. Louis, The international Politics of Regions: A comparative Approach (Englewood cliffs N.J. Prentice-Hall, 1970. -30

Alagappa, Muthiah, "Regional Institutions, The un and international security: A framework for analysis", Third world Quarterly, Vol 18, No 3, 1997 -31

Yalem Ronald, Regionalism and world order, public Affairs, -32
Washington. D.C. 1965

New york Times, 28 January, 1992. -33

Chishti, Sumitra, "Regionalism Multilateralism, and the developing countries since the end of Cold War", International studies, Vol 32, No.4, 1995 -34

۳۵- رضائی، محسن، ایران منطقه‌ای، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران
۱۳۸۳

۳۶- رضائیان، محسن، واژه‌نامه توصیفی (فراتحلیل‌ها).

- ۳۷- مارک ویلیامز، باز اندیشی در مفهوم حاکمیت: تأثیر جهانی شدن بر حاکمیت دولت، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، شماره یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور ۱۳۷۹.
- ۳۸- محمد تقی قرلسفلی، جهانی شدن به رویا رویی همزیستی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، به شماره یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور ۱۳۷۹.
- ۳۹- عادل عبد الحمید علی، جهانی شدن و آثار آن بر کشورهای جهان سوم، ترجمه مهندس سید اصغر قریشی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور ۱۳۷۹.
- ۴۰- کاظم معتمد نژاد، مطالعات انتقادی در وسایل ارتباط جمعی.
- ۴۱- دویچ، کارل، کیوهین، رابرت و...، نظریه‌های روابط بین‌الملل، جلد دوم، ترجمه و تدوین بزرگی، وحید، ماجد، تهران، ۱۳۷۵.
- ۴۲- کاظمی، علی اصغر، روابط بین‌الملل در تئوری و در عمل، قومس، تهران، ۱۳۷۲.
- ۴۳- سلیمانی فارسانی، بیژن، "تحلیلی بر منطقه‌گرایی جدید و نقش آن در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی"، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷.
- ۴۴- دونرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت، "نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل"، ترجمه طیب، علیرضا و بزرگی، وحید، جلد دوم، قومس، تهران، ۱۳۷۲.
- ۴۵- کولایی، الهه، "نقش اکو در همگرایی منطقه‌ای" رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ۱۳۷۴.
- ۴۶- شجاع، مرتضی، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال ۲۱، شماره یازدهم و دوازدهم، مرداد و شهریور ۱۳۸۶.
- ۴۷- مجتهدزاده، پیروز، "جغرافیا و سیاست در دنیای واقعیت‌ها"، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال دوازدهم، شماره اول و دوم، مهر و آبان ۱۳۷۶.
- ۴۸- بیگزاده، جزوه درس حقوق بین‌الملل عمومی (۱).